

دهزگای چاپ و بلاوکردنهوهی



زنجیره ی روشنیبری

*

خاوهنی ٲیمتیاز: شهوکهت شیخ یهزدین

سهزنووسه: بهدران شههمهه ههیب

ناوونیشان: دهزگای چاپ و بلاوکردنهوهی ناراس، گهړهکی خانزاد، ههولتیر

برای دیدن ستارهها

برای دیدن ستاره‌ها

احمد عزیزی

هیئانه سهر رینووسی ئیستای کوردی:

د. نهجم ئه‌لوه‌ندی

کتیب: برای دیدن ستاره‌ها

نووسینی: احمد عزیزی

هیئانه سهر رینووسی ئیستای کوردی: د. نهجم ئه‌لوه‌ندی

پیداچوونه‌وی: فه‌خه‌دین ئامیدیان

بلاوکراوه‌ی ئاراس - ژماره: ۴۳۶

ده‌هینانی هونه‌ری ناوه‌وه: ئاراس ئه‌کره‌م

هه‌له‌گری: فه‌خه‌دین

سه‌ریه‌رشتیبی چاپ: ئاوپه‌حمانی حاجی مه‌حموود

چاپی یه‌که‌م، هه‌ولیر - ۲۰۰۶

له‌کتیب‌خانه‌ی گشتیبی هه‌ولیر ژماره (۱۲۶) ی سالی ۲۰۰۶ ی دراوه‌تی

آبی ستاره ها به خواب می رویم. شکوفه ها به کوچه های ابری ترانه ها رسیده اند. هجوم سبزه واژه هاست. صدای بال بال یک کبوتر از کرانه تخیل است. آه! عجب ترنم خوشی میان برگهاست. غروب روی ماسه ها چه عاشقانه راه می رود، و موجها چه عارفانه در کنار صخره ها سماع می کنند. چقدر سایه ها هم سواری خیال می دهند. چقدر برف ریخته است روی برگ شاه دانه ها. چه کاجها غریب در کنار هم نشسته اند.

به سوی کومه های روز می رویم. ترانه تای قشنگ روی کومه ماست، میان دستهای ما طنین عاشقانه ایست. به هم ستاره پرت می کنیم، به گیسوان هم شراب می زنیم؛ برای مادیان تشنه دست می بریم توی سطل و زیر سایه قشنگ بید حرف می زنیم.

به آستانه بلند عشق می رویم، به اوج کبریا، به خانه های ابری خدا به روی خای به کوچه قشنگ دوست داشتن، به سوی پرتگاه آبی ستاره می رویم، به آن زمین آبی بی صدا، به پشت آن درختهای روی کوه در امتداد سایه های کاج می رویم و دست های ما پر از طراوت ترانه هاست.

چه دره ای! شبیه بالهای یک چکاوک است. غروب مثل جلد یک کتاب عاشقانه است. هزار سار ناگهان پرید روی موج، میان آینه؛ هزار سار سینه سرخ به روی ناودان نشست. به وادی درختهای تشنه می رسیم، به خانه های تنگ کوه، به کوچه های بال شاپری، و در میان خاطرات ایل خیمه می زنیم.

نگاه کولیان لاله رو به ماست. درختها برای ما ستاره پهن می کنند و آفتاب سایه قشنگ خویش را به روی رود می زند و در آفتاب خلسه وار ظهر سایه می زنیم. صدای ارتعاش قلب یک قناری از میان باغچه است. طنین گام های غوی عاشقی است که روی روح آب راه می رود.

به کوه واژه ها می رسیم، به سنگهای صاف صبح، و زیر آبشار یک

گل شب است. ستاره های دور روی بام خانه صف کشیده اند. دو کشتی پر از ستاره از مسیر شب به سمت نور می روند. ستاره ها نواله های نور را میان بچه های کوچه پخش می کنند. ستاره ای به قعر آبی سقوط می کند. عبور یک شهاب از میان کهکشان هزارها دریچه را به سمت کوچه های آفتاب باز می کند.

به ماسه های ساحل سپیده می رسیم به کوه ابر، و در میان سایه آفتاب پیاده می شویم و تن به نور می دهیم و مثل سایه های کاج دراز می کشیم روی ماسه ها و بعد می زنیم دستهای خویش را به فصل و رنگ سایه های خویش را از نور پاک می کنیم و دست می دهیم با حضور و واژه های خویش را برای دیدن ستاره ها به کوچه می بریم.

مسیر واژه های شاد غلغله است، برای دیدن ستاره ها درخت لازم است. میان کوچه های آفتاب کسی به فکر سایه نیست. ترانه های تازه از میان غلو شاخه های نور می چینند، نوشته ها درخت پر ستاره را میان شاخه های واژه تاب می دهند.

برهنه، کفش های خویش را به شط بیکران نور پرت می کنیم و با کلاه

ترانه لخت می شویم. سپیده مثل یک شقایق از میان صخره سرزده است و روی کوه مادیان صبح و جوجه طلایی سپیده آب می خورند، بزی کنار سنگ چین برای یک درخت پیر شاخ و شانه می کشد.

شب است. خروسخوان واژه هاست. ستاره ها به پشت کوه رفته اند، تمام دره زنیق است، تمام دشت اطلسی است. تمام کوهپایه زیر پرچم شقایق است. چکاوکی برای جوجه های تشنه اش از رودخانه آب می برد. چه کلبه ایست! کنار کوه درست روی لانه چکاوکی بنا شده است. سفالی های سقف آن از کوه نور آمده است. کنار پرده های نیمروز آن طلائی است. حیات خانه غرق چکاوک است. ستاره های حوض آن نسیم صبح می دهند.

گل سپیده روی پشت بام خلوت است و روی قلب ساکنان آن دریاچه ایست به سوی عشق؛ چه ناودان پر ترانه ای! شبیه انعکاس نی لبک میان کوهپایه هاست، شبیه انتشار شبنم است. شبیه بازتاب نور در دریاچه ستاره هاست. شبیه آن شبی است که ما میان سبزه های صبح غلت می زدیم و آفتاب در میان برگهای بید ارگ می نواخت.

آه! نگاه کن به شیشه ها چه شبنمی است. چه حالت پر از تحیری در آینه است. چه لحظه های عاشقانه ای میان بوته های ارغوان گذشت. چه نم خوشی میان ماسه ها و ناودان گرفت.

دوباره تر شدیم زیر نور، دوباره در میان خاطرات نور قدم زدیم. چه مرغ های عاشقی کنار ما نشست. چقدر روح بود در طنین واژه های ما؟ چقدر آه برای ما شکوفه می زدند.

به پشت بام خلسه می رویم، سماور سپیده روشن است. تمام شهر زیر پای ماست. درختها مسیر رودخانه را گرفته اند، زنی کنار آینه برای گیسوان خویش تار می زند. ستاره ها برای شستشو به حوض آفتاب می

روند. دو برزگر میان کرت های خلسه چای می خورند، درخت ها برای چیدن جوانه های نور صف کشیده اند، میان کوچه سیلی از ستاره می رود حواس ماسه ها به رودخانه است، پرنده ها به آشیان نور می روند. دو دانه تگرگ مانده است توی حلق ناودان. به روی حوض برف سال پیش مانده است.

شب است. چراغ توری ستاره روشن است. ترانه های باد از میان شاخه می وزد. درخت تاک تا عروق خانه پیش رفته است، دو یاکریم روی هره لانه کرده اند، کبوتران وهم به زیر شیروانی خیال بازگشته اند، به زیر نور ماه تمام غوکهای برکه دم گرفته اند.

ستاره های آسمان آینه نشسته اند روی حوض. تمام شب دریاچه های شهر نور باز می شود و ذره ها برای میهمانی حضور به صحن آفتاب می روند.

بهار درخت سبز خویش را کنار جاده پهن کرده است، میان حوض، ماهی بلور لحظه هاست. بهار با نخ سپید خود کناره های کوه را به دامن قشنگ دشت کوک می زند. بنفشه ها به روی صخره های رودخانه ایستاده اند. هوای ابری ترانه هاست. نسیم نازکی میان پرده می وزد. پرنده ها به لانه های خاطرات بازگشته اند. هوای پر شقایقی است. بلوط های پیر جوانه کرده اند، درخت بید عاشقانه گیسوان خویش را به روی باد باز کرده است، میان برگ ها طنین آب بازی ترانه هاست. ستاره ها برای دیدن تگرگ به روی ناودان صبح رفته اند، کبوتران به کوه واژه های سبز رفته اند.

آه! چه ارتفاع عاشقانه ایست؛ حضور در تمام آبهای شهر موج می زند. درختها به چند متری ستاره می رسند، و نهر روز از میان خانه های شهر می رود. دم غروب هزارها شمعدان نقره روی رودخانه روشن است، و

صدای بارش حقیقتی بزرگ از میان دره می گذشت، پرنده ها برای آفتاب بال می زدند، کنار شاخه های دشت، روح یک طلایی بزرگ بود، تمام کوهپایه زیر چتری از شکوفه های سیب بود، خزنده لطیف باد داشت به سطح ماسه های دشت دست می کشید. دم غروب غمی عجیب روی سایه های کوه می نشست و شب به روی شانه بنفشه های دشت پرده ستاره می کشید و لاله ها میان هاله های نور باز می شدند و گله های ساکت ستاره در شمیم شب به رودخانه می زدند.

شب است و ما برای دیدن جهان به برجهای آبی ستاره می رویم. به پشت بام محض نور، و درخت روح خویش را به روی بندهای کبریا می محض پهن می کنیم. مجرد طلایی خوشی است. به زیر ناودان نور می رویم برای خم شدن به سوی آفتاب و دست های خویش را به شط سایه می دهیم و روی ماسه های انتظار به سمت یک حقیقت بزرگ دراز می کشیم.

دم خوشی است. هوایی از حضور در میان شاخه هاست، نسیمی از نگاه دور دست می وزد. پرنده ای شبیه عشق، روی دستهای ما نشسته است، ترانه های عشق در نگاه ماست. شب است و ما هنوز روی کومه های روز می رویم و در کنار سایه های نور برای درخت آفتاب منتظر نشسته ایم. پرنده ها تمام خاطرات خویش را میان برکه شسته اند. درخت صید کرده است سایه های خویش را، در قنات در قنوت صبح واشده است. تمام روستاییان برای صید روح به کوه واژه رفته اند. تمام خانه های شهر خالی است.

نگاه کن تمام شهر زیر برگ یک اقاقی است، تمام کوچه های شهر مه گرفته اند. درختهای سیب به شانه شکوفه ها رسیده اند. گیاه واژه، دشتهای شعر را گرفته است. ترانه ها رسیده اند. به شانه شهید یک

دختران برای شستن ظروف صبح به آبشار گیسوان خویش می روند. شب است و ما هنوز روی کومه های نور مانده ایم و ارتفاع آبی ستاره را نگاه می کنیم. حضور بین ما نشسته است. شهود در میان شاخه هاست، میان واژه های ما مه است، و ما به زحمت از میان نور می رویم. تمام روز روی پشت بام لحظه برف بود. تمام روز راه خلسه بسته بود به روی روح. و ما به یاد کاج های سبز، سایه های خویش را به رود می زدیم.

آه! چه بادبان عاشقانه ای! چه غلغل ستاره ای! هزار قایق قشنگ ز روی رودخانه می رود، پرنده ها به شط نور می زنند. صنوبران صبح قامت ستاره بسته اند. صدای کبک های کوه به گوش دره های دور می رسد. بهار با تمام لاله های عاشقش به باغ آمده است.

صدای آبی پرنده ها، نسیم سبز واژه ها، تبسم طلایی درخت سیب، هجوم شاپرک به کوچه های فصل، اقامت پرندگان صبح در مسیر آبشار، طنین روح کفتران کوه، هجوم گله های سایه های ظهر به چشمه های آفتاب.

به سان واژه های ابری بهار به کوه می زنیم، درختی از ستاره روبه روی ماست و به سان یک پرنده از میان ماسه های وقت خود عبور می کنیم. ظهور یک کبوتر از میان شاخه ها تمام حس آبی مرا نثار آسمان یک تخیل قشنگ کرد. مرا صدای بال یک حضور به آسمان خلسه برد. کمی کنار ساحل از غروب سایه ها دلم گرفت و سایه های یک درخت نارون به حوض خاطرات نشست.

آه! چه کوه چکاوکی! چه صخره های جاودانه ای! کسی میان ده نبود، کسی ز روی واژه ها نمی گذشت. فقط صدای پرپر چکاوکی میان شاخه های صبح بود و ارغوان خواهش بلوغ یک گیاه و چند جوجه طلایی قشنگ زیر چکه های نور.

درخت، شقایق است. صنوبران سرخ در سیر آفتاب راه می روند.

کنار جاده ها به چکاوکی رسیده ایم. به نم نم شقایقی و سینه های سرخ خویش را به رود سبز می زنیم.

شب است. خیال می کنم به اوج آسمان رسیده ایم و چتر سایه بان ما در آسمان خلسه واشده است، و ما میان یک مه غلیظ نور در ارتفاع وقت می رویم، آه! به ضلع آبی زمین رسیده ایم. به گوشه های ابری جهان و سمت سهمناک کوه را نگاه می کنیم. به سیم آخر سکوت می زنیم و روی آسمان مه گرفته خیال، صدای ساکنان ابر گوش می کنیم.

شب است. عروس نور تکیه داده است به پلکان آبی ستاره ها، مسافران شب به ارتفاع نوری زمین رسیده اند و ما به انتظار یک ستاره در کنار هم نشستیم و دور می زنیم آسمان یک خیال خوب را.

آه! چه چتر صبح واشده است! چه شهر در میان شاخه های این درخت توت کوچک است! نگاه کن چراغهای شهر روشن است! و کوچه ها به سمت آستان یک حقیقت بزرگ می روند. به باغشان نگاه کن! ببین چقدر برف مانده روی دست شاخه ها! چقدر سایه از درخت آفتاب ریخته است.

آه! چقدر پشت بام روح خلوت است، چقدر دانه ریخته است بین کفتران وقت. عجب نسیم عارفانه ای به بندهای رخت می خورد. درختها کنار حوض نشسته اند و در خیال سبز خود به لانه پرندگان دور فکر می کنند. میان فرش سبزه گریه سپید برف به پشتی کوه تکیه داده است. هزارها درخت در مسیر جاده ایستاده اند به پیشواز باد.

میان زائران رود همهمه است، هزارها پرنده روی سقف رودخانه راه می روند، درختها جوانه های خویش را گرفته اند روی دست و رو به نور کرده اند. درخت ما مسیر رودخانه را گرفته اند و رفته اند روی سقف کاج ها و سنگ ریزه پرت می کنند توی حوض ماه درخت یاس بالهای خویش را

به روی برکه باز کرده است، کبوتری غریب در میان کوچه های ابر پرسه می زند.

شب است و ما به میهمانی خیال می رویم و دست ما پر است از ترانه های خواب، کسی میان کوچه نیست. مغازه های نور بسته اند. سپور صبح برگ های روز پیش را از روی جاده جمع می کند. قطار روز در ره است. مسافران شب میان کومه های وهم راه می روند. مسافران نشسته اند روی شانه های شب و انتظار صبح می کشند. زنی میان موجهای خاطرات دور رفته است. زنی به شیشه های وقت دست می کشد. زنی میان ماسه های روح نو نشسته است.

به راه دور می رویم و سعی می کنیم شاخه های شعر را از ارتفاع شاه دانه ها جدا کنیم و روی شانه های شاد شب بیاوریم. شیره شهود روی شاخه هاست. جوانه های جاودانگی است. میان شاخه های وهم مثل یک غروب راه می رویم، کنار ما کبود کوه ایستاده است به زیر چتر یک بنفش بیکران، و دشت آبی ستاره را نگاه می کند. هزار گله ابر در میان دره می دوند به سوی چشمه های نور.

کنار هم به یک شعور بیکران رسیده ایم به شاخه های شهود محض و روی تپه های یک تجرد عظیم به یک حضور جاودان اشاره می کنیم. شب گل است. ستاره ها میان شاخه نشسته اند و شعر پاک می کنند. تمام خانه در تب حضور یک افاقی است.

میان شاخه های عطر یک خیال می رویم، چه شبمی! عروق عشق را به راه روح باز می کند. تکلم تو را به آسمان یک حضور محض می برد، تو را به عمق وهم می برد و پرت می کند به اوج یک خیال. تو را به آستان یک تجسم بزرگ می برد به تو درخت واژه های پاک را اشاره می کند و می رود. به قدری آسمانی است که تو در ارتفاع محض راز راه می روی و در شعور ناب عطسه می کنی.

به ارتفاع محض می روییم و بین بوته های خلسه چای می خوریم، چمن پر از چکاوک است. میان شاخه های شاد نارون تولد نسیم تازه ایست. جوانه های تشنه سوی نور می دوند، پرنده زمان نشسته است روی ناودان نور و شیر آفتاب روی حوض صبح چکه می کند.

در هنوز باز می شود و بوی نور می وزد میان شاخه ها که بود که سد لحظه را شکست و بندهای آب را گشود؟ و نهر نور را به سمت کوههای تشنه برد، که از میان کوههای لحظه رفت. میان کومه های آفتاب سایه که بود؟

آه! صدای سرفه حقیقت است. صدای عطسه سپیده است در دماغ لاله هاست، صدای دارکوب خسته ای است که بر در بلوط می زند. صدای بازتاب واژه های سنگ در میان دره هاست، صدای یک شبان عاشق است که از فراز تپه های صبح می رود.

نگاه کن چقدر ابر زیر پای ماست. چقدر سایه در مسیر آفتاب ریخته است. چقدر آب پشت سد لحظه هاست. بین چه سیل واژه ای است! چه اجتماعی از کبوتران کبریاست! چقدر آفتاب پشت کوهها نشسته اند برای نوبت طلوع! چقدر بین شاخه های شهر تاب لحظه بسته اند به روی خانه های ده چقدر لانه کبوتر است! چه سایه های عاشقانه ای میان کوچه می روند.

ز بامهای پر بخار خلسه می روییم، مهی عظیم در نگاه ماست. دچار حالت ابر بودنیم، به پشت یک ستاره روی آبی بزرگ می روییم. برای رد شدن ز رود کهکشانی، به ساقه ستاره چنگ می زنیم. افق پر از پرنده های گم شده است. آبی جهان به روی چشم ما گشوده است. کنار شط شب، شهابها برای بردن مسافران نور ازدحام کرده اند. یکی کنار جاده جهان نشسته است. یکی برای آسمان خلوتش پرنده خیال می خرد، یکی

به جدول غروب تیبیه داده است، یکی به روی سبزه های خاطرات خویش سفره پهن می کند. چمن پر از مهاجران فصل شبنم است. مهی غلیظ در استکان چای ماست. به فکر روزهای رفته کنار رود رفته ایم و دست می کشیم جای لحظه های سال پیش و با تمام خاطرات خوب خود وداع می کنیم و مثل کفتران جلد، به کوه ابر می زنیم.

چه فرصت طلایی تبسمی! چه ساقه های سبز گندمی! به فکر یک تخیل قشنگ به باغ لحظه می روییم و مثل شب در انتظار آتشی کنار شامگاه خویش خیمه می زنیم، شب است، خطوط جاده مبهم است. هوای وهم به سایه های پشت شب نمی رسد. شکوفه ها خزیده اند زیر چترهای برگ، جوانه ها نشسته اند به راه نور، درختها به سایه های روز پیش تکیه داده اند، چکاوکی به برگهای یک ترانه نوک می زند. به روی دامن سپید ابر، لکه های لک لکی است. فرشته های ابر به پیشواز باد می روند، هزارها پرنده بال می زنند روی شط. ز روی سخره های صبح هزارها پرنده خویش را به آبی بزرگ پرت می کنند.

ز روی گنبد کبود نگاه می کنیم به نیلی بلند و رو به آبی بزرگ نماز می بریم، به خود نگاه می کنیم: کجاست دستهای ما؟ ستاره های رهنمای ما به دامی کدام کهکشان به خواب رفته اند؟ و در تلاطم سپید صبح کاسه های ماهتاب ما چه شد؟ که آن خطوط آبی بلند را کشید در سفال خواب ما؟ که آن ستاره های سرخ را ز بال کهکشان به دشت خواب ما روانه کرد؟ که آن سرود سبز را میان بیسه های نور بر لبان ما نهاد؟

و در زیر چتر داغ آفتاب، به سایه های ما چه رفت؟

به کوه می زنیم و ابرهای پاک را نگاه می کنیم. کمی به سایه های ظهر مانده است. و مانده خوشه های آفتاب به روی شط سایه خم شوند و سطح آب های فصل را ترانه های باد، پر کند. و سیل تند واژه بشکند

به روی روح. و کوه در میان دره های خواب ما صدا کند و مانده تا ترانه های ایللیات از مسییر رود بگذرند و کولیان لاله، سازهای خوش نوای خویش را به کوچه های خواب ما بیاورند.

آه! چه سیلی از ستاره روی جاده بود. چه برفی از حضور روی سقف وقت می نشست. چه نم نم حقیقی به برگ های بید دست می کشید، چه حرفهای عاشقانه ای میان گیسوان نارون و دست مهربان باد بود. ز روی شانه های کاج، برف ریخت! چه آن صنوبران، صبور از میان سیل واژه رد شدند!

شب است و ماهنوز لباسهای روز را نشسته ایم و پرده های ظهر روی دست باد مانده است، و شبی می میان سطل مادیان صبح نیست، و دست های عشق بسته است، و برگ های خلسه در ضمیر شاخه باد می خورند. تمام باغچه، گل کخ است. تمام کوچه زیر برف بی صدا نشسته است؛ تمام برفهای کوه، قطره قطره آب می شوند روی سقف ما. و ما ظروف عشق را به زیر چک چک چکاوکی نهاده ایم و بی صدا کنار موجهای روح خود نشسته ایم.

میان سنگ چین کوه نشسته ایم در کنار شعله های باد. نشسته ایم تا دوباره بوته های عشق گل کنند، و شاخه های شعر، خوشه های پرتراوت ترانه را به سینی طلایی تبسمی بیاورند. نشسته ایم زیر سقف یک خیال و چکه های وهم خویش را نگاه می کنیم. میان کهکشان خالی خیال خود به یک ستاره فکر می کنیم برای زیستن، به سرزمین تازه ای برای فتح فکر می کنیم. و این که چند روز می شود بدون شعر در ضمیر واژه نیست! برای رد شدن ز رود به بالهای شاپرک امید بسته ایم. درون این حباب، خیال می کنیم در کف ستاره ها شناوریم. درین جزیره هرچه راه می رویم به هیچ می رسیم.

آه! چقدر در میان ماسه های روح خود قدم زدیم! چقدر برای رد شدن ز سرزمین آفتاب، بادبان سایه ساختیم! چقدر در خیال قایقی بزرگ غوطه ور شدیم! چقدر لانه ساختیم با پر پرندگان! چقدر زیر این درخت تاک، برگهای خاطرات خویش را ورق زدیم! چقدر با خیال یک پرنده همسفر شدیم در افق!

فضای عاشقانه ای است. میان سوسوی ستارگان گام می زنیم، چراغهای کهکشان دور هنوز روشن اند. پس از هزاربار روبرو شدن به رود، پس از گذشتن از هزار مزرعه، به خانه های ابری خیال می رسیم.

صنوبران به اوج کبریا رسیده اند، چکاوکی نشسته است روی بالهای باد، میان بیشه های رود غلغل حقیقتی است. دو ابر بیکران میان شاخه ها به هم رسیده اند. هزارگونه شاپرک در آسمان رنگ می پرند، هزار دانه شعر از تگرگ صبح روی سقف واژه مانده است، هزارها پرنده در کنار رود به شاخه های بلند صبح نوک می زنند.

به رد پای روزهای رفته می رویم، به ساحل همیشه غروب. میان تخته سنگهای صبح جای پای عصر را نگاه می کنیم، پس از هزار سال، صدای انفجار یک ستاره همچنان میان گوش ماست. به زحمت از میان سنگواره ها جداره های قرن را کنار می زنیم، در کنار قلب جنگجوی یک قبیله شهید، به روح آب سجده می کنیم.

شب است، هنوز داغ لاله های هر صبح روی گونه های ماست، هنوز قلب عشق می زند. هنوز از میان صخره های صبح، نبض یک ستاره جاری است، و روح یک درخت نارون میان برکه موج می زند. پس از هزار سال فکر به نقطه های اول خیال خود رسیده ایم و زیر مشعل بلند وهم، به متن بیقرار شب نگاه می کنیم.

مهندسی

خه یالّ عاشق دلّ تهفته یی بی
نالاهی کووهساران ههفته یی بی
وه ئه و فه رها ده بویش ئه ی یار دیرین
وه گیانی تو که ده رچی گیان شیرین
چمان وه دوویدی زوولفت دانه قانگم
نییه ی جوز عه تر توو بالّ بژانگم
چوو من ئاشوفته بی نه زم به یانی
بهن ئه ندازی که راهی سورمه زانی
به سا چوو سورمه له و چشم فهن ئه نداز
وه ده وری دیده گان خوبین بن ئه نداز
وه ههر چه رخه ش هه زاران سه ر ئه سپره
بهن ئه نداز بژانگد بینه زیره
دلّم چووی سورمه وه و مژگان ئه سپره
بهن گلّ چووی بخه م ئه ی به خت تیره
ئه را سورمه خوهرم کردی وه بادام
هه لّس له دیده ئه ی به خت سیه فام
هه زاران ده ور جامی باده گردهم
له بادامی که گهردانیید مردم
چه کردی وه دوو بادامه چه کردی
وه ئه و یه ی چه رخ چووی جامه چه کردی
سه ر زولف گولّت وه لاله چییده
مه گوو سورمه بگو خوبین شه هییده

مه یه زه حمه ت وه خود ئه و قه ر زیاده
له کاف و هایّ و یایّ و عه یین و ساده
وه قورئان خودم قه سه م هه رگیز نییه لاف
له هایّ و میم و عه یین و سین وه ره و قاف
که مانچه ی زولف کیشایه وه شانیه
خه نی گولّ گولّ، خوه نی گولّ دانه دانه
وه ئه نگوشتان وه یه ک ئویشن ته مامه
مه گه ر مانگی نوّوه ئه و نوّ نه مامه
له به زمی نازی ئه و گووشپاره گووشه
سه حه ر په یمانه زه ن گولّ باده نووشه
هه لّس یه ی شه و وه به زمی گولّ دوانی
وه هار و جام مه ی فه سل جوانی
دوو مانگتر شه راو گولّ نیه مینی
کی تووخم کوک له کول کول نیه مینی

هه لئس ههفتهی گول و عه تر نه سیمه
شه مامه ی سه د چه مهن بووی نهی شه میمه
بنوور خوینی جگهر بهرگی گولانه
که بهرگ گول له جهرگی بلبلانه
بژهن پهروانه ئاسا په پ وهرهنگش
نه سیب زولف بوو دايم وه چه ننگش
چه مهن یه ی کاسه چه شم ئینتیزاره
به تاله عه قدی گول بی نه وه هاره

لویولی سهروهن

مه نه ووهل و ئاخو نامه نیه زانم
سه لامد که م وه بان دیده گانم
سه واد خال توو دیری غبارم
له خه تتی توو مه گهر من سه ر دیرارم
له خال خاس نه و خه تتی قه شه ننگه
یه سه خوین مره که و سورمه رهنکه
نییه تتی روئیای نه و خه تته وه ههر خه و
چه گهر مۆکه ی چه و عاشق میکرکه و
له چاوهش جه وه هری دیری په ری من
که عه تری سورمه دان دهی دهفته ری من
سیا بووی له و قه له م مرگانه بهرگم
قه دی گووشپاره گه د خوین ها له جهرگم

له مژگانته قهلهم موو دیرم ئه‌ی دووس
په‌رئ گولّ پووسی ئاهوو دیرم ئه‌ی دووس
له به‌رگ نازک په‌یغامی دووسم
وه داخی ئاهووان سـزبایه پووسم
له عیشقی گولّ چونان بیچاره بوویه
ئه‌گه‌ر به‌رگی بنویسم پاره بویمه
موره‌که‌ب بوی وه‌خوین ئاو و گلّ من
بنوویس ئه‌ی لاله روّخ خوینی دلّ من
چوو من له تیر مژگان چه ترسی
ئه‌را حالّ غه‌ربانت نیه پرسی
یه‌قین بایه‌د وه‌دامان گولّ بای
توو به‌و گولّ گولّ بخهن تا بولبولی بای
له سای ئه‌و سه‌وزه، پای ئه‌و لاله‌زاره
بچـر ئه‌ی نازنین فه‌سلّ وه‌هاره
نه‌باری خاترم نه‌ به‌رگئ بیـدم
مه‌ له‌ی فه‌سلّ وه‌هاره نائومـدم
یه‌سه‌ روو وه‌ جو‌دایی نامه ئه‌ی دووس
کلاش هیجر هه‌ل‌کیشامه ئه‌ی دووس
چرا عومرئ ئه‌سیری جستجوو بووم
خوه‌زه و له‌و باخ شمشلاه په‌پوو بووم
وه وینه‌ی سورمه له‌ باخ ووچم گولّ
خوه‌زه و بولبول بویام له‌ مووسم گولّ
بـووسام گاه پرچ پر فسانه‌د
خوه‌زه و سه‌روه‌ن بویام ئاو‌یز شانهد

خوه‌زه و ماچئ له‌ گوونه‌ی ئه‌و جوانه
یه‌سه‌دی کوشته‌سه‌م ئه‌و بازوانه
له‌ وینه‌ی دی نیسه له‌ به‌زم حـووران
که‌مه‌ند گیسوان، ساق بلووران
نه‌ دیری عیمله و نیسه نه‌ حه‌یوان
شکووفه‌ی سه‌ر دیارانته له‌ ئه‌یوان
شه‌رانشوو، فتنه‌گر، قابز، نه‌مامه
په‌ری روخ، گوونه‌ گولّ، پرچیک شه‌مامه
خوه‌زه و به‌ی ئیسته‌کان له‌ چه‌رخ چاوه
چه‌نه‌ عه‌تری وه‌هاری له‌و شه‌راوه
سه‌ر باخ و له‌ب بام بن مالّ
خوه‌شه‌ یه‌ی لوبولی سه‌روه‌ن یا به‌س خالّ
یه‌سه‌ له‌ باخ هیجر و شادم ئه‌ی دووس
له‌ سای سه‌رو و گولّ و شمشادم ئه‌ی دووس
له‌ وه‌ختیگه‌و موژه‌ واکرده‌مه‌ من
جه‌مالّ توّماشاکرده‌مه‌ من
یه‌سه‌دی من سیه‌ه مه‌ستم له‌ سورمه
بگر ده‌ستم بگر ده‌ستم له‌ سورمه
له‌ موژگانده‌مه‌گر بگری وه‌کولم
له‌ لوبولی سه‌روه‌ن من لوول لوولم
وه‌ دینم دل‌به‌ر و دل‌داره‌ یی عشق
نزانیدن چئ لا کرداره‌ یی عشق

كه نم نم بوواری خاسه ئه‌ی گول
 كه سه‌یلئ ئه‌شك تی له‌ی راسه ئه‌ی گول
 دلّم چووی ئاوی ئه‌لوه‌ن بی قسه‌راره
 بژانگم گول و ئه‌شکم وه‌هاره
 له‌ داخدا چووی له‌ گولشه‌ن سه‌ر ده‌رارم
 مه‌گه‌ر په‌روانه ئاسا په‌ر ده‌رارم
 نیسه‌چوو داخ توو له‌ ئاو و گل من
 درگ بانئ درگ ها له‌ دل من
 مه‌چوو له‌ی چیمه‌نه ئه‌ی داخ باوان
 درگ بیلا نه‌نیشیدان وه‌ داوان
 وه‌هار ئاما ژهنوو په‌ی هسه‌رته گول
 كه زه‌خمم باز کولیا‌ده و له‌ بولبول
 له‌ دیدم جارینه ئاوی می‌رگ باز
 نه‌سیبم بووی له‌ فه‌سل گول درگ باز
 له‌ ئه‌ی داخه‌ نیه‌تی مه‌ره‌م وه‌کارم
 درگ ها دل وه‌ ده‌رزی چوووی ده‌رارم
 له‌ گولشه‌ن جوش گول هه‌فته‌ی دوو هه‌فته‌س
 كه کووسی عاشقان له‌ هه‌فته‌ که‌فته‌س
 له‌ خوین دل به‌سا داخ توو توژم
 گولم دیده‌ چه‌ هاوردی وه‌ پروژم
 یه‌سه‌ داخی توو پیرم کرد ئه‌ی گول
 عه‌بیری گول ئه‌سیرم کرد ئه‌ی گول
 نیسه‌چوو هه‌رگیز وه‌ سه‌یر گول نه‌زارم
 وه‌گولشه‌ن چووی بچم کور بوو گلارم

نه‌خشی مژگان

یه‌سه‌ مه‌ بویمه‌ چوو ئه‌ور وه‌هاران
 خوڤگ گێردم له‌سه‌ر چووی ئاو واران
 وه‌ وه‌فری پی‌ریا دل تانم من
 وه‌هه‌ر لاو كه‌ تی‌ده‌ن لاونم من
 وه‌ دینم داخی توو وینه‌ی وه‌هاره
 وه‌ دل ئاشوو وه‌دیده‌ ئه‌ور و باره
 وه‌چم هه‌رگیز نیه‌چم په‌ی چیده‌ن گول
 كه‌ داخم تازه بوو له‌ دیده‌ن گول
 نییه‌که‌ی هه‌رگیز دل من مه‌یل باخی
 كه‌ شیری دالگم ها له‌ ده‌ماخی
 یه‌سه‌ خه‌و تا سه‌هه‌ر بریایه‌ له‌ چه‌و
 كه‌ نم نم ئه‌شك وارم له‌ سه‌ر شه‌و

توو بیلاتا مه ئی ئاخه نه کیشم
وه باخ گولّ وه داخ گولّ نه نیشم
نه وردم یه ی وه رهق گولّ له وه هاره
یه سه چووی لاله سوورم سه د هه زاره
نیه چم له گولشه ند هه رگیز وه رازی
که خاج عومر من پر بووی وه بازی
له داخد عومر له کۆت و که مه رچی
جوانی جوور لافاوتگ هه ده رچی
له یی سه حرا که ئاخ نا ئومیده
ئه گهر پاییزه گولّ دیده مه دیده
وه خاک تیره وینه ی سه نگی سه ختم
هه میشه گریه ده رچوودن له به ختم
له شیر ی گولّ که گردیدم زه مانه
له بالی بولبوله یل چه دیدم زه مانه
نیه چوو چووی سورمه مه یلی گولّ له چاوم
وه داخی نازه نینان دایده ئاوم
نه کردیدم ده می مینای ده سستی
فه له ک چووی نایده مه و تاق شکه سستی
مه گهر خه سره و بنووشیدن له جامد
چه شیرینی که ناکام له کامد
وه دینم ئه ی فه له ک وینه قوشی گه یید
له بالای بیستوین فریای کوشی گه یید
له عیشقد چووی فه له ک به ریادم ئه ی دووس
چووی شیرین گیان که نی فه رهام ئه ی دووس

ئه گهر ئاگر ده رای له زه رب تیشم
وه بالای بیستوین غه م ها له ریشم
خراو بوی بیستوین بهر فه رق فه رهاد
هه لّس ئه ی خه سره و خووبان وه فه ریاد
بییه تونگی شه کر شیرین زوانا
که ده وریشم وه گرد گی سوانا
بنیش تا کاری بیبنیاد بویشیم
له شیرینکاری فه رهاد بویشیم
وه هه ر گولّ عیشق توو و اچم که و اچی
وه له هجه ی بولبولان ماچم که ماچی
هه لاک ی غونچه ، زافی لاله کردم
بییه ماچی له بانی چه م که مردم
له بان ئه و چه مه بایه د بنیشی
مه بادا په رده بهر مه نزه ر بکیشی
دنه هه رکه س به سا وه و سه رو قامه ت
له یی ئۆردیبه هه شته له قیامه ت
هه لّس تا له ی بنی داره بنیشیم
له پای ئه و ئه وری ریواره بنیشیم
گولّ سه ییدی دلّه و بولبول شکاره
که نارهی ئه لونه و فه سل وه هاره
له جه شنی عه قدی گولّ به زم وه هاران
چمانی سراز دیوئل ده یده واران
ئییلاهی کل بکه له به زم یاریگ
له ئه ی فه سلی گوله سوزه ی وه هاریگ

وه دیدهم پابنه چووی سورمه خاکم
 ئه پرای ئه و جفته تاهووده هه لاکم
 نیه زانم چووی که نییده دل له نامی
 له شیرینه یلی ئیل عه ول مامی
 له ئه ی زیندانه گهر رژژی وه ده رچم
 له گیلان تا سهراومورته وه سه رچم
 خیری ئیل که لوپ بیمه وه بوونه ی
 له چال تا وه خال نه زر گه وونه ی
 له فه سل گول یه سه ئه و جفته تاهوو
 شکارم کردییه و داسه نوا کوو
 ته ماشای گول بکه له وبانی که وشه
 چمانیگان گول یلی بان ده نوشه
 چه به وری گردییه دل له فیراقی
 وه باری دل بکیشم ئیشتیاقی
 شه نگه عالم له مژگانی قه تاره
 له که لوهز کوشته سه م ئه و چه و شکاره
 له گورانی وه گوران سه د نه فس داشت
 که قه لخانی له قه لخان وه ده س داشت
 وه ره یل دل یه سه وه رنا له سینه ی
 له سنجناوی نوینی دی له وینه ی
 کودامین تییره چوو ئه و چه ومه سه دی
 توو له ئیلی که لوور دیرم به سه دی
 وه داود گهر بوهم شه رح جه مالد
 مسه خه ر به و سلیمان خان وه خالد

له ئه و سهروه حه زه رکه چوون چه مدکه ی
 وه ئه بروو گهر خه مان بوویدن خه مدکه ی
 له خالد عه ینی ئه سفه ن دانه بویمه
 له دیواخانه گه د دیوانه بویمه
 وه دینم دل به را ره نگین که مانی
 په ران داودی تیبری خه مانی
 خوه زه یمه و خوه م له که له سوپ یار دیرم
 وه هه ر ئیلی دوو سه ه روین لار دیرم
 وه هه ر چادر دووان ئه بروو که مانه
 خوه زه یمه و هه ر که له خیلی خوه مانه
 لویه تی عیشقم و مانگان وه سالان
 له کربا پاکتتر دایدم وه تالان
 گلاره ی شه و فی ئه لماسی نووره
 کور دل داری که ربا هایده کووره
 وه شاهین په ی شکار تاما وه شاهوو
 وه گهر دن غه مزه نادو کولک تاهوو
 شه قایق له وته شه بی شوین و نوین بوی
 شه نگی بولبول ته قان سه د گول وه خوین بوی
 نه دیده ئه ی پلنه نگ کوو شاهوو
 وه لای شاخ گول یه ی جفته تاهوو
 له گولشهن سه رو ئازاد نه دیده؟
 له سایه ی شاخه شمشاد نه دیده؟
 وه بالای بهرز ئه و سه رو خه رامان
 دل م زه نگیانه وهش رشییا وه دامان

نیه چوو هه‌رگیز له به‌زم گولّ عه‌بیرش
له ده‌شت گولّوه‌نی عه‌تر چویرش
نیه چوو سه‌روی توو له ئاو و گلّ من
حه‌واله‌د بووده‌ئه و قه‌ده‌ده دلّ من
نیه تیّ بالّ بژانگ که‌س وه‌ خاوش
که‌می چووی سورمه‌ چه‌و بورن وه‌ چاوش
له بادامانی توو جام شه‌راوم
نیه تیّ جوز عه‌کسی مه‌ه‌روویان وه‌ خام
یه‌سه ته‌یه‌هو په‌ری په‌ری بوی دوراجه
مه‌له ئه‌سپی که‌یه‌ر یال قه‌لاجه
عه‌جه‌و توزیّ وه‌هار گ‌ردییه‌ باز
له‌بی لاله چی بار گ‌ردییه‌ باز
وه‌ وینه‌ی لاله لی‌د لالم شه‌و و رووژ
وه‌ رووی کوکی قه‌فه‌س نالم شه‌و و رووژ
سیاوانه‌ی خه‌یاله‌و زه‌مه‌مه‌ی خاو
وه‌ سورمه‌ی مه‌ه‌روخان په‌ژیا‌یه ریژاو
وییه‌ن خوینی دلّه سورمه‌ شوانه
یه‌کوچی گه‌رمه‌ سیری ئاهووانه
ده‌ماده‌م دیده‌گه‌م په‌ی مانگ نوومه
که‌ عیشقی سورمه‌ چاوان مشک و دوومه
له‌ ئه‌ی له‌رزه‌ چه‌نی گیانم نه‌رکیه‌ی
کونه‌ی دلّ چووی کونا بوودو نه‌تکیه‌ی
غوبارش سورمه‌ریزان که‌ی وه‌بینی
چی‌سا نه‌رگس له‌ بانی بان له‌رینی

له‌ خاکی لاله‌وان گولّ دانه‌ دیرم
یه‌سه‌ له‌ بان وه‌زیری خانه‌ دیرم
وه‌ره‌و کول کول نه‌چیده‌ له‌ جوانی
یه‌ی ئاهوو وه‌چان لاله‌ وان‌ی
خوه‌مم ته‌نیا و باوانم وه‌ ته‌رکه
یه‌سه‌ دامه‌ کویه‌ له‌و کورپه‌ وه‌رکه
خودا‌حافیز له‌ گولّ، له‌ خار کردم
یه‌سه‌ وه‌ کوچ و کلّه‌فت بار کردم
بجوز ئاه‌ نه‌مه‌ن دی له‌ به‌ساتم
له‌ عه‌شقی توو ئه‌رای رۆژیّ نه‌هاتم
له‌ ئه‌و گولّوه‌ن گولّه‌ دلّ چووینه‌ گور بوی
له‌ سنجای چمان جه‌نگی که‌لۆر بوی
دلّم دایم وه‌سیرو سرکه‌ جووشه
له‌ ئه‌و زه‌نگیانه‌ مل گووشپاره‌ گووشه
له‌ لاله‌ی گووشی توو بریا سه‌ری من
نه‌ هاتی‌ی و نه‌ بردی دول‌سه‌ری من
دلّم له‌و دل‌به‌ره‌ هاوار س‌زیا
بکیشن جار مه‌ردوم جار س‌زیا
یه‌سه‌ زولفت وه‌ شان‌ه‌ تی‌ی وه‌پابوس
له‌ لوبولی سه‌روه‌ند ریشیا‌یه‌ تاووس
هه‌لّس ئه‌ی دل وه‌ ته‌تق‌دیرد په‌زاده
نه‌زری سازو زه‌ری د ش‌فاده
مه‌نیش ئه‌ی دلّ وه‌ سه‌ودای سه‌راویگ
هه‌لّس په‌روانه‌ ئاسا په‌ی په‌راویگ

له ئه‌ی عشقه خیالی ما و مه‌ن چه‌س
جومیرو زوله و تورکا شه‌وه‌ن چه‌س
وه‌هه‌ر مورغی سوخه‌ندانی نیه‌نیشی
که‌مانی نه‌خشی مرگانی نیه‌کیشی

چه‌رخ‌ی چه‌و

وه‌ وینه‌ی ئاهووان مه‌چیان وه‌ راوه
له‌ یادم چوی بچوو، ئه‌و جوفته‌ چاوه
نیه‌م چوی په‌هله‌وانان شان وه‌ شانده
نیه‌ چه‌رخم غه‌یری میلی سورمه‌ داند
وه‌ کونجی ئه‌برواند چله‌ نیشم
ریازته‌ کیشم و ئاخ نیه‌کیشم
چرا به‌ی شه‌و وه‌ مرگانم نیه‌نیشی
سه‌ری چوی گول‌ وه‌دیوارم نیه‌کیشی
دل‌د سافه‌ له‌ بالای ئاوه‌ت دل‌
خیال‌د راحه‌ته‌ له‌ باوه‌ت دل‌
وه‌ سه‌د نه‌رگس مه‌سه‌ و سه‌د گول‌ خوماره
نیه‌زانیدن چه‌که‌ی ئه‌و سه‌وزه‌ یاره

جه مالش بی خهم و رځخ بی شکهسته
وه بالا ئافت و وه دیده مهسته
وه دويدی دل چمان دانه قانگی
پهژین له خوین مشتاقان بژانگی
وه مهیلی ئاهووان گهردی غهزالان
ریبهن دهرچوو وه بوونهی هویره خالان
بژانگد خیس و ئهشکد سویل سویله
بنی سورمه نیهتی چوین سورمه قویله
له کووی یه شه و تیرهک مانگم ههلالی
خوهر ئاوا بوی ئهرا مژگان نهیلالی
له چیمن کوریه گول بی بال و پهچی
وه غهیری گول نه زانستید و سهرچی
وه سهر چی مهوسم کهوک وه هاران
ئهرا یه سهر نیه ی وه سهرنساران
مهچم بی شوین واهوو نوبون واهوو وه واهوو
ههلاک ئاو بویه پهی دوو ئاهوو
نیه زانم مهسکه ند کو یا مه کاند
که گول دامه له شونی میلکاند
چه کان جامه شکین شیشه چراخی
له شون میلکان گول دایه داخی
یهسه چووی وهی کهری ئه و هیله کانه
چه غی جامه شکین له و میله کانه
کهسه سی زانی وه داع یار کرده
ئهمان لهی میلکان بار کرده

بکیش ئه ی سورمه دوخت پادشای نیل
له شون میلکان چوانی من میل
حه قا وه لا وه پای پیلم بکیشن
له داخ سورمه گهد میللم بکیشن
رځخی وه ئه شک غهم پهروه رده دیرم
که من سه د میلکان بار کرده دیرم
توو خاکی ره ی وه چه و مالیده ههرگیتز
له شونی میلکان نالیده ههرگیتز
وه یادی ئه و قه نه و وه تونگی نووشه و
له لای کوانی نه نیشتیده وه جووشه و
له هیجر ئه و گولنه وه له حنی بولبول
له لای کوانی نه نیشتیده وه غولغول
یهسه فهسل گول بایه م ره سییده
گللالان پر بویه له ئاوی دیده
له نییه ت بوی گول بایه م عمه ل هات
یهسه فهسل گول و فهسل غه زه ل هات
بگر ئه ی ئاگر ئه پهروانه پهرواز
وه گرد ئه ور و بار دل نیتمه ناز
فیراقی گولپروخان دیده چه سه خته
وه هوزه دل بچر ئیواره وه خته
یهسه لافاو زه مینه یل گیرده وهر گشت
وه هار ئاما وه وه فرا و مایشت
هه وای سهر میلی سویحی بولبولانه
له سای ئیل چه مهن چه تری گولانه

هه‌ئس چووی قوچ جه‌نگی ئە‌ی که‌مان ژهن
 که‌لی مه‌س هاتییه ئە‌مشه‌و وه گولشه‌ن
 وه سه‌یدی بولبولان ئە‌و دیده مه‌س هات
 گولی جامه‌شکه‌ن جامه‌ش وه ده‌س هات
 شه‌راوی دا‌یده وه یه‌ی جام‌ئاوه
 که مژگانم نیه‌نیشی دی وه پاوه
 وه سه‌ر که‌فتم وه پای ئە‌و سه‌روی قامه‌ت
 وه‌لو سه‌روه‌ن به‌سایده‌م تا قیامه‌ت
 خودایی بی سه‌ر و پایان چه‌ دیده
 که یه‌ی هو سه‌رو نازد قه‌د که‌شیده
 که‌مه‌ند ئە‌نداز ئە‌و بالا بوله‌نده‌م
 له بالای هه‌ر چی کووتا بوو که‌مه‌نده‌م
 خودا هه‌ر بولبولی مال گول‌نا
 وه جووش گول خرومش بولبولی نا
 وه لاف‌او لاونی ئە‌وری وه‌هاری
 ئە‌را چه‌رخ‌ی نیه‌ی وینه‌ی قه‌ناری
 هه‌ئس له به‌زم یاران بووس بفرووش
 په‌ر سه‌روه‌ن بنه‌ وه تاووس بفرووش
 هه‌ئس که‌م جه‌نگ وهل شه‌مس و قه‌مه‌رکه
 له چه‌رخ‌ی چه‌نبه‌ری گیانه‌ه‌زه‌ر که
 دوعایی بولبولان حرز گولانه
 ئە‌گه‌ر ساحیب نه‌فه‌س له بولبولانه
 قرانه‌ت با گولستانه‌ له ئیره
 په‌ری گول، جیلدی قورئانه له ئیره

به غه‌یره‌ز بولبول و گول‌بویش کیمه‌ن؟
 ئە‌لا دولبه‌را! ئە‌را چیده له چیمه‌ن؟
 وه یاد توو که‌ وه یادد قه‌سه‌م خودم
 هه‌مای وه سه‌روی شمشادد قه‌سه‌م خودم
 نی‌چوو هه‌رگیز گول‌له فه‌سلی جووشم
 ک‌زه‌د چووی ئە‌لوه‌نه‌ دا‌یم له گ‌ووشم
 وه چه‌شمه‌که‌ی دل‌ی سه‌نگه‌ سییه‌ نه‌رم
 که‌ناری ئە‌لوه‌ن و ئاوی سه‌راو گه‌رم
 نه‌چیده جوور کور یه‌ی ده‌ف وه راسی
 وه شه‌و هه‌رگیز له پشتی شا‌عه‌ب‌اسی
 وه ئە‌لوه‌ن هه‌ر شه‌و مانگ که‌فیدن
 نه‌سیم باخ ره‌ش‌یا‌واز تی‌یدن
 وه ئە‌لوه‌ن ده‌وری ک‌وچه‌ باخ سه‌رپۆل
 وه ئە‌لوه‌ن که‌ف‌تیمه‌ له داخ سه‌رپۆل
 مه‌که‌ن ته‌نیا وه زاری شین گه‌رمم
 بریزن ئاوه‌گه‌ی ئە‌لوه‌ن وه ته‌رمم
 نه‌نیش‌تیده وه رووی به‌رگ مه‌لاحه‌ت
 نه‌چیده له گول‌باخی فه‌لاحه‌ت
 وه وینه‌ی ئە‌رغه‌وانی نه‌و ره‌سییده
 دویت‌ه‌لی ئاسیا و ق‌رمز نه‌دیده
 له هی‌جرانی مه‌نی‌ژه‌ی پر فسانه
 کوچیک بیژهن نه‌کی‌ش‌ایده وه‌شانه
 دره‌ختان سه‌ر وه‌سه‌ر جووری سرشتن
 سه‌راوه‌یلی ک‌رن باخ به‌هه‌شتن

وهلهو وه توز و گهرد و باد تیرزی
وه ههر یه شه و وه سه د شایاد تیرزی
نه گردیده گولینه وه شان گیوه
وه یادی لاله رویان بشیوه
سه ری چویی نه کردی سه رازی
نه کردیده وه خوین بازی درازی
شه وانه یادی دولبه ر چوی گولله ی ول
نه قاره کوت کوتی تا دویدمی دل
گول خاکی هه زاران مه ه جه بینه
گوله گول خاکی سه ریول نازه بینه
یه سه هاتم وه ره غوریه ت نیشینی
له داخی گول عوزارانی گولینی
نه کیشا چووی من بی شوپون و نوبون که س
غم می هیجرانی چه و کالانی چه و مه س
یه سه دیرم گرم په روانه وهش بال
ترویسکه ی ناگر و دویدی سیامال
یه سه ته رکی دیاری یار کردم
وه باری دل له گولشهن بار کردم
خودا حافیز له توو نه ی باخ شمشاد
که کردم گهردنی نه وه سه روه نازاد
فه رامووشم نه بوو تا پروژ مردن
له بد حهق نمک دیری وه گهردن
له بی من گهر فه رامووشی له بد بوو
هه لال نه بروید نووش له بد بوو

چه مه نزاری شه هیدان زه مینم
نه را نه ی لاله روخ و نیه تی وه شینم
مه که له گولشه نی عوششاقی خارم
وه قوریانی قه دد به و تا مه زارم
وه سه روی قامه تد فه رما وه بوستان
فلانی گول وه ته نه و شه و له گولستان
سه روی گیان دامه وه خال ته کی من
له زومره ی بی نه سیباند یه کی من
فیغانی سورمه دیری بولبول من
شه و عهیده و عه زاداره گول من
گوله گول خاکی مشتاقان چراخه
که داخی سه روه و سه ر سال باخه
له حه سرت سورمه خه وه ر کردیده بولبول
مه یه بال بژانگ نه ی خوینی گول
وه هاری ئیره فیغانی بولبولیگه
توو چه و بووره چه مه ن ته نیا گولیگه
شهم و په روانه و بولبول جه مه باز
له به زمی عاشقان یه ی گول که مه باز
هه لس نه ی سه رو تا ناهد بکیشم
وه بالای حه سره تی ماهد بنیشم
له روخساری توو په رنگی عیشق جه معه
که سزیایه له شه و قد هه ر چی شه معه
سه ری بورجه و له مانگم بی خه وه ر من
له داخی نه و بژانگه سورمه خه ور من

بپرس ئه‌ی نازهنین ئه‌ی نوغامه
 مه‌مگ ناده ده‌مد کامین شه‌مامه
 وه‌ناز دل له پشت په‌رده فه‌رما
 که کام ئاهوو چه‌ود په‌رورده فه‌رما
 جگه‌ر له و تیر مژگانه که‌واوه
 خوماری نه‌رگسد کامین شه‌راوه
 وه ده‌وری باده مه‌جمی مه‌ه‌روخانم
 چمان چووی ئه‌سفهن ئاگر ها له گیانم
 یه‌سه زولفی وه به‌زمی شاننه ئاما
 که بشکن بشکن په‌یماننه ئاما
 وه مژگان عیشوکه‌ی وه دیده حاشا
 تیماشا خوینی مشتاقان تیماشا
 وه نازی په‌نجه زولفان تاب داده
 وه خوینی عاشقان رووخ تاب داده
 له شاخه‌ی شه‌و که‌فی دانه‌ی هه‌ساره
 مل و ملواره روخسار و گلاره
 چه‌یاتم له و له‌بی چه‌وزه وه سه‌رهات
 چه‌مه‌ن له و عارزی سه‌وزه وه ده‌رهات
 له‌بد وینه‌ی ده‌هان غونچه به‌سته
 وه عه‌قدی دامه‌ند گول ده‌سته ده‌سته
 قه‌دهم یه‌ی شه‌و وه گولشه‌ن په‌نجه فه‌رما
 وه خوینی گول حه‌نای سه‌ر په‌نجه فه‌رما

خوینی گول

چ کرماشان خوه‌شه و باخ و سه‌راوی
 وه زولفم نیشتییه وه‌فر په‌راوی
 له سالاری له سولتانی له خانی
 له کرماشان نییه وینه‌ی فالانی
 نینووشی هیچکه‌س جام شه‌راوی
 وه‌کییل ئاقا و سابونی له تاوی
 له ئارامگا یه‌سه سزیه‌ی چراخم
 له ئه‌و عه‌تری گوله به‌رزه ده‌ماخم
 وه قه‌دری سورمه ره‌فتاره نیگاهد
 پری تاریکه‌بازاره نیگاهد
 چه‌مه‌نزار جویری وه‌رد دهر وه‌رد
 چیا سه‌وز و چیا سورخ و چیا زهر

که لور هم گهردی سنجای و جه ننگه
مه سیر نه فته و لوبله ی تفه ننگه
بسات سورمه خالی کرد ثانی
له بهرقی که وشه گه ی تیمچه و چنانی
شهوم له عه تره با خوریشمه من
گولتی دیرم له دهوری ئه و چه مه من
دلّم شه هری فه رهنگی سه د خه یالّه
ده بیر ئه عزمه ئه و خه ت و خاله
یه سه چووی تاقه و سان غه رقم له مه هتاب
چهوم هه ر شه و وه یادد ها له بی تاب
له عشق لاله پرویان زه عفه رانم
له چالّ گوننه شان چاله ئیستخانم
له بد سورهو دو مید نووشی ولاته
له خدر زبنده گه دا ئاوی هه یاته
نییوتی هه رگیز و گولزار نه زه ر باز
سوراوی چووی قه مه ر سروری قه مه ر ناز
دراری ئه وری نه و روزی وو زاری
که مانچه ی مه سقه تی به زم به هاری
مربدی نویره گوی نیمه شهوم من
له خانه ی ئه رمنی چووی پر تهوم من
سووری شه و یه ی که مان و ه رجه خوه رئاوا
موسه لا چووس له بالای جه عفه ر ئاوا
سووری شه و به زمی خاجوبیل و ته کیه ته
خیابانی چه مه ن کوپچه ی نه کیه ته

له دور ته ویله پوره موی بشکه بشکه
وه زیری تا وه کییل ئاقا درشکه
له عیشق سه روی توو له گیان نیه ترسم
له جانگیر شهل له جاویدان نیه ترسم
له عیشقی ئه و بنا گووشه وه سیله
یه سه دی ناموو ناو گووش ته قیله
نیه چوو هه رگیز له یادم له گولستان
له وه عده ی به عده و زوهری تاق بستان
هه ئس شووری له ئه و شیرینه ئه نگیز
وه ره و کیسری بران ئه مشه و وه شه و دیز
تون قورئان میان کوچه باغا
ز شیخادی بیبا تا قه بر ئاقا
کییه می تانه ئه زی مژگانه که نه دل
که می تانه بگه مالی مونه دل
قه پان که ن باری هه فسه د مون و یوی شان
جلوخانه جلوخانه جلوخان
پلنگانی دمان هاویر دیاژیر
نییوتی دی به هله وانی چووی که له شیر
له کرماشان و هره ق بازی مه که توو
له لای قازی موله ق بازی مه که توو
له ئیره سایه له عار دیری
که عه تر په هله وان گولزار دیری
به هار عیشق و عه تر یاره خاکی
یه کرماشانه و گولزاره خاکی

بکه له مه جلسی ږندان قسه ی خاس
له شه هری په هله وانان پا بنه ږاس
وه میلی سورمه شان په یوه سته موبله
دویتی گرد ئافه ریدهن ئه ی دویتله
تیبین ته همینه وهش با سنبلان تاب
ویلو سورون بوسانه دوستی سهراب

شینى بولبول

چی باری گردموو له هسه رته تی گول
له گهردی گول بنیشم یا بولبول
له هیجرانی توو ئه ی چی بنیشم
مه گهر سه د ناله چووی بولبول بکیشم
له ئه ی فهسله که سه حرا لاله پووشه
وه جووشی گول قه سه م خوینم وه جووشه
چی به هته ر ناوی گول نارم له گولشهن
له داخدا عازیه ت بارم له گولشهن
له بی فهسله که سه حرا سه وز و سووره
گول بی شوپین و نوینم هایده کووره
وه فهسله گول سییا به رگم له داخدا
چمانی تیرها جه رگم له داخدا

وههاری عاشقان چهس جوز خه زانی
ئه سیر دل، عه بیر گول نیه زانی
هه لئس چووی عاشقان عازیبهت بار
وه شینی بیلبیلان موری گول بار
چه وم ها ژیر پاتا رووژ مه رگم
که داخدا تا قیامهت ها له جه رگم
مه گر ئه ی نازنین دهینم وه گه ردن
که خوینم ها ملدا تا روژی مردن
مومن تا روژی مه حشه ر ژیری دهینم
که من له عاشقی خوینی حسهینم
ته ماشای گول بکه چه پ چه پ له سه حرا
چمانی خوین چکی له جه رگی زه هرا
مه گو جامه شکهن له ی دهشته چوینه
عه زیزی فاتهس غه رقه له خوینه
وه دینم هایده ژیر گول وه دهینم
که عومری بولبولی باخ حسهینم
توو بهو خوین دل یاران له من پرس
حه دیسی دیشته له جامه شکهن پرس
له بالای ئی گوله سه رو و سومون چهس
یه خوینی نه کبه ره خوینی چومون چهس
کورپی چووی هه زه ته عه باس دینه؟
ئه بولفه زری فه قه د ئومولبه نینه
ئه بولفه زری وه سه د شمشاد سوور داشت
به نی هاشم فه قه د ئی یه ی قه مه ر داشت

حه دیس مورغ په رپه ر چهس نیه زانی
نیه زانی داخی نه زغه ر چهس نیه زانی
نیه زانی نهو حوروم زاره چوکه ردن
ئه پرای ئه ی کورپه نازاره چوکه ردن
له یی داخه هه زاران چوشمی ته ر چهس
له نهو تیری گه لوو سووزه جگه ر چهس
بزان داخی عه لی نه زغه ر دووانه
که هه م له ب تیشنه و هه م بی زووانه
عه جه و نه عشی وه بانی نه کیشا
عه جه و ئاخی که شاه دینی نه کیشا
جگه ر سووراخ سووراخه چوو بیشم
له نهو ئاخ و له نهو داخه چوو بیشم
گوله یلی باخی زه هرا بیشماره
عه لی نه زغه ر بوسوولی نهو وه هاره

له عیشقی گوونه‌گه‌ی نه‌و گول‌عوزاره
له‌شم به‌رگی گوله‌گیانم وه‌هاره
هه‌لس چووی غونچه‌ماچی نه‌و دوهون که
توو که‌ی ووت فه‌سل گول‌ته‌رک چه‌مه‌ن که
له‌یاران قار‌که‌ن جووش وه‌هاران
وه‌فا نه‌یرن چوومینی گول‌عوزاران
دوو هه‌فته‌به‌س نیه‌مینی کوکبه‌ی گول
توو سه‌یری گول‌بکه‌نه‌ جووشی بولبول

داخی دل

کودامین داخی دل بارم وه‌خارا
یه‌سه‌پیموو نه‌پای یویی گول‌وه‌دارا
یه‌سه‌وینه‌ی کینی هاتم غولغول
تکی بولبول بنه‌وه‌مورهومی گول
توو وه‌هۆزی گول و خیزانی لالوود
یه‌سه‌چی پوبنگه‌بویمه‌و پشته‌مالوود
له‌پای یی‌هه‌وزی ئاو و یی‌چراخه
چیمانی‌عه‌تری گول‌دیده‌دوه‌ماخه
هه‌زاران‌چیشمه‌نازی‌سرمه‌دیمه
له‌دور‌ساتی‌وه‌موژگان‌روسیمه
وه‌خوینی‌عیشقی‌توو‌عه‌رقم‌له‌کینه
گوله‌نادیدوو‌دل‌شه‌نگ‌نای‌له‌سینه

غزلیات

یہی نامہ وہ موہری لہبی تہو شا سہنہمہ ہات
ئی خہ تی منی دلشودہ چووی وہو قہلہمہ ہات
ئی عہیدہ مویارک کہ لہ سہحراو پہرہی گول
پہیغامی مہی و بووسہ لہ تہو گول و ہدہمہ ہات
شا شا کہ چہسان روو لہ نازاری بہنہوشہ
چووی دہنگی قہمہر نازی لہ تہو باخ و چہمہ ہات
دی سووز دلم جوور لہبی بام جوانی
تاوہو لہبہ تہو خیدری مویارک قہدہمہ ہات
ہم نارہو ہم سہروہ ہم بایہم و لیموو
لہی گولشہنہ گول ئیجورہ، تہی رہقہمہ ہات
رشییایہ و ہداوان لہ ہزار آیینہ زولفی
یہسہیلی و جودی سہری کوهی عہدہمہ ہات
چووی نیشی بزانگ شیعری توو نیشانییہ تہحمہد
تہو شورشی بادامہ فہقہد وہی قہلہمہ ہات

لہی ژیر کولای سورمہدہ مہستم لہ جام تہلگردند
دی چووی کونہ خیسم مہکہ قوربانی تاو تاوردند
شاواز کیشامہ لہ گیان لہو زولفہ چوبن ریشیا و ہشان
سہر چوپی بہزمم بزان پا نامہ پہی دہس گردند
من لہی گولئی زولفہ کہ دل غہرقہ لہ گیجاوی جنوون
چووی شانہ سہد دہس بہم تہرای یہی زولف شورہو کردند
دی شین مہکہ جامہ شکن یہی دہم و ہشونی میلکان
عالہم کہواوی بولبولہ لہ موری گول ہاوردند
یہی میلی چہرخم لہو چہوہ و ہو سہنگ خہبالد ہیزدہم
بالی بزانگی ہم نییہ تہی سورمہ دی ہلگردند
تہو سورمہ چاوہ چی چمان کور بی کیبہنی لہ دہشتی گیان
بی تہو لہب نووشہ بزان فہرزہ لہیہولا مردند
کاش ئی پیالہی تاتہشہ بنیا لہبی تہو مہہوشہ
لہ بہزمی مہہروویان خودشہ ناوی لہ تہحمہد بردند

وهلا وهمه سسهوم گيانا نيه زانم من چهس ثاييند
بييه بووسی له ئه و خاله كه تا بامه سهرديند
نييه له تاله يي بووسم ئوخویش ئه و بناگووشه
مه گهر ئاخی له ئه و زولفه بکیشم تا كه مه رچيند
ئه را چوينه پهريشانی له به ختم ئه و وهاری گول
مه له گولشه ن تيم ئه لئان، نه سوسه ن بوی نه نه سريند
نه كردم عاقيبهت بووسی له ئه و گهر دنبه نه دیده
برشيبه ی ئه و فهلهك له يره گلاره ی مانگ و پهرويند
دهنگی مژگانی مه لال ئه و گول له بان قه لعه ی ئه پروو
له ئه و پاچه يه سه رووی كه م وه ره و داوانی چين چيند
ئه گهر سوزی سقانی من وه باخی گوله ونی پيچی
دهله گورگيگه له و كه و ره كه كيشی لوبولی سه رويند
يه سه له تاوی ههر ئاهم كه فيدن ناوکی سه د ئاهوو
شكه ندیده دلی ئه حمه د ده ماده م زولفی چين چيند

ئه ی نيه زانی چه كرد عه تری گولی سينه گه د
چه رخ چووی بيل بييه م مه حوی كه مه رچينه گه د
تافی سهری زولفی توو ها له بنی گوله ونی
نالهی بولبول تبي له و په ری سه روينه گه د
تاجی ته لا ناده سهری مانگه شه وی نو قره پووش
وهی چی په ری په يکه ريگ ها شه ويه زه رينه گه د
يه بنه چه ی حاسيلم يه يشه قه واله يي دلم
هاتمه وهی مه جلسی عاريزی سيمينه گه د
تا وه ئه به د جوم نيه خوهی دی له سهری سورمه دان
جامه ك ئه گهر پا بنه ی تاوه ری ئايينه گه د
خوهم قه سه م ئه ی نازهنين وه و له بي نووشينده
ناو له ليموو نيه وه م جوز وه سهری سينه گه د
دی له سه ر کول کوله يلی كه وکی جوانی نييه
خاکی گولی لاله وان، سوسه ن و نه سرينه گه د
له و چه مه نی عاريزه په رده يي مه له ل بخره
باخی گولی ئه حمه ده دامه نی چين چينه گه د

عهینی ئاهوو سه‌ر وه‌سه‌حرای سورمه چاوان نامه باز
دل وه شوری بایه‌می نارک نیه‌الان دامه‌ باز
شیننی خوبان به‌س که کردم داخی یاران به‌س که خوه‌م
چووی گولی خاکی عه‌زیزان هه‌ر پرویچگیامه‌ باز
خه‌لپه‌ی خووینی وه‌هارم تا گه‌لووی داخی دلم
هه‌ر وه‌ وینه‌ی به‌رگی سووری له‌ چه‌مه‌ن چغیامه‌ باز
من له‌ ئی خاکیه‌ که گولزاری شه‌هیده‌ باره‌ها
لاله‌ سه‌ر نامه‌ وه‌لی جامه‌ شکن هه‌لسامه‌ باز
دامه‌نی سه‌جاده‌ هه‌لچن هه‌م له‌نه‌و فه‌سل گولّه
من له‌ ئی په‌س گولشه‌نی داوانی دوله‌ر جامه‌باز
ئه‌ی جوانی هایده‌ کام لا؟ ئه‌ی منالی هایده‌ کوو؟
لاوه‌ لاوی بویش ئارام له‌و له‌یلی لالامه‌ باز
هه‌م دووباره‌ باری گلانم هه‌مه‌ ژیری پای خه‌یال
ئه‌و هیلالی ئه‌بروه‌ ئیمشه‌و وه‌بانی بامه‌ باز
له‌ سه‌ری پیری چی حاسیل پوخته‌که‌ی فیکری شه‌راو
ئه‌حمه‌دا دیده‌ی خه‌یالده‌ چووی جوانی خامه‌ باز

بیل بتوقی له‌ لید شه‌نگ له‌ بژانگی قه‌تار
هه‌م مه‌نییه‌ تا بخوه‌ی پیچ له‌ سه‌روینی لار
نه‌عه‌ره‌ بییه‌ له‌ی جه‌مه‌ ناله‌ بکه‌ وه‌ی ده‌مه‌
عه‌شق بکه‌ له‌ی چه‌مه‌ عه‌قل نیه‌تیدن وه‌کار
له‌ی چه‌مه‌نی عاریزه‌ ئه‌ی گولی خه‌ندان بچوو
داخ نه‌وینی وه‌دل، لیوو نه‌بووسی وه‌بار
بویش له‌ لیو گولی، مه‌تله‌بی عوششاق چه‌س
خاس هه‌لاجی بکه‌ بولبولی عاشق وه‌دار
له‌و رووخی چووی جامه‌که‌ بالی بژانگ چووی بییه‌م
مه‌حووی به‌ن ئه‌ندازه‌ده‌ سه‌د چه‌وی ئایینه‌ دار
له‌ی چه‌مه‌نی حیره‌ته‌ چه‌رخ وه‌ ساغر بییه‌
جوز وه‌ جنوون ده‌ر نیه‌چوو مه‌ستی چاوی خوعمار
دوش له‌ باخی گولده‌ سیره‌ سیفته‌ تا سه‌حه‌ر
هه‌ر وه‌تمه‌ دوس دوس هه‌ر وه‌تمه‌ یار یار
فه‌سلی غه‌زله‌ سه‌ر چییه‌ و ئه‌حمه‌د عاشق نییه‌
دی یه‌سه‌ چی گولرووخان بولبول من تا وه‌هار

چووی غوباری غم وهدل ئه‌ی گول له داواند بچم
کورپه وه‌رکی دل بییه تا من له باواند بچم
حه‌سره‌تی به‌ی گوشه‌ی مژگان کوشته‌سه‌م له‌و نه‌رگسه
کاش بومه سورمه تا به‌ی شه‌و وه‌چاواند بچم
شین‌ی عیشقم تا قیامت هامه‌ گونه‌ی گولروخان
گه‌ردی داخی عاشقانم چووی له‌ داواند بچم
له‌یلی سه‌حرای نازی بومه نه‌زری ئاهوید
جووری مه‌جنوون بیل تارووی وه‌ بی‌اواند بچم
من کوپی دلدارم ئه‌ی دولبه‌ر که نیبه‌لگه‌ردم له‌ عیشق
ده‌س و پای سه‌روی توده‌م، چووی سه‌ر وه‌تاواند بچم
توو وه‌هاری خاکی سه‌رپول، نویری ئاوی ئه‌لوه‌نی
من فیدای ئه‌و چیمه‌ن و ئه‌و سه‌ر سراواند بچم
جوز خه‌یالی سورمه ئه‌حمه‌د هیچی دی نوینی له‌ من
عه‌کسی مه‌هروییانی شوخم چووی له‌ خاواند بچم؟

نیه‌زانم چووی له‌ به‌دبه‌ختی رووی وه‌خاک گیلان کردم
ئه‌رای ئه‌و خاله‌ یاران یه‌سه‌ دی ته‌رکی گیان کردم
نیه‌زانم ئیل و باواند نیگارا دووس و داواند
پوری سه‌روه‌ن پوری گول نه‌ که مه‌یلی سرمه‌دان کردم
نه‌ له‌ ئیلی که‌لوپ وینه‌ی نه‌ له‌ گوران و سینجاوی
له‌ عیشقی خاکی کرماشان سه‌راسه‌ر ژیر و بان کردم
بزان تیری که‌لور چوبنه‌ که‌ ئه‌و خانزایه‌ نازاره
خه‌م ئه‌بوو نشانم دا ویلی خیلی خه‌مان کردم
موبوو بادی سه‌با هه‌رگیز شه‌نی زولفد که‌ عومری من
وه‌ گردی خه‌رمونی حوسند وه‌ بانی دیده‌ چان کردم
له‌ به‌زمی لاله‌ روویان چی بنشیم ده‌س وه‌بان ده‌س
هه‌لس جامه‌ شکن پرکه‌ که‌ یادی پیشه‌نان کردم
سنان گه‌ردا دلی زاهید له‌ مژگانی عوجو نه‌یری
که‌ خوه‌م له‌و ئه‌بروه‌ ئه‌حمه‌د هه‌وای تیروکه‌مان کردم

جوز غم نییه له بهرگم جوز دل نییه وهبارم
لهی دهشتی گهرمه‌شینه وینهی گولتی مه‌زارم
لهی دامه‌نه‌ی په‌راوه پاییزه گولت چه ئویشی
وه‌فری سه‌رم تیماشا دی سه‌رچییه وه‌هارم
دیده عه‌جه‌و به‌ساتی ها لهی بنی بژانگه
شه‌شدانگی سورمه بیمه‌و مه‌ستی چه‌وی خو‌مارم
نه‌علم وه لاله نانه وه می‌خه‌کم کوتانه
تووزی وه‌هاری من بوین گولت دهی له شوونی خارم
چووی باخه‌وانی بیکه‌س شان دامه‌سه‌ودل ته‌نگ
لیموو نییه‌ی ئه‌رای چه باخی گولتی ئه‌نارم
من لهی وه‌هاری نازه چووی سورمه‌دانی سه‌رمه‌س
سه‌د ده‌وری باده چه‌رخم تا سورمه بوو غوبارم
لهی به‌زمی کولی یه‌یله، لهی ناوی تولی یه‌یله
شامه چمان جنووبم، له‌یله چمان نه‌هارم
ئه‌حمه‌د له نه‌و به‌هاران، بایمه سه‌ری دیاران
دیرم له داخی یاران چووی لاله په‌ر دهرارم

نه چووی بولبول گولستانتی نه‌چووی گول گولشه‌ن دیرم
له‌سای ئه‌و سه‌وزه داوانه هه‌وای پا دامه‌نتی دیرم
وه پرسیتی من ئه‌گهر هاتی وه‌خاک نازه‌نینان به‌و
گولتی بانی مه‌زارم من که ره‌نگین شیوه‌نی دیرم
له خورمانی خه‌یالی توو هه‌یه حاسیل که عومری من
وه‌ری بادی سه‌با چووی گول وه بووی زولفد شه‌نتی کردم
وه دانه‌ی ئه‌و خه‌ت و خاله وه عه‌تر ئه‌و سیاماله
دلتی پیچیده چووی می‌خه‌ک وه‌گوشه‌ی سه‌روه‌نتی دیرم
له گهر‌دنبون مه‌یه داخم وه ئه‌و ئه‌لماسی غه‌لتانه
بووه گوشه‌ی چه‌وم یه‌ی شه‌و بزاق من مه‌عه‌دنی دیرم
له گوشه‌ی ئه‌برود گیانا ئه‌گهر بووسیتی بوهم خو‌چه‌س؟
به‌ن ئه‌ندازم من له‌یره بزاق حه‌ق به‌ن دیرم
ده‌رارم ناله‌یی سه‌د نه‌ی وه‌یه‌ی موکش خه‌یال ئه‌حمه‌د
منی چووی زولفی مه‌هروویان که‌مان ئه‌بروو ژه‌نتی دیرم

چونان مهفتوونی ئەو یه‌ی دانه خالم
که وینه‌ی سورمه‌ی دی مژگان نیه‌لالم
په‌رم دایم له‌ باخی بایه‌می دووس
بژانگی جور مورغی سورمه‌ بالم
دوعا ئویشم له‌بی نوشد یه‌سه‌ من
بفه‌رما شیری دایگ دی‌ه‌لالم
یه‌سه‌ مه‌ی خودم له‌ ئی کویزه‌ی شکسته
دلی جامه‌شکه‌ن سزیه‌ی وه‌حالم
زوانم سورمه‌سه‌و بالم بژانگه
مه‌ له‌و روخساره‌ چووی ئایینه‌ لالم
یه‌سه‌ دی‌که‌فتیمه‌ یه‌ی گوشه‌ چاوی
نیه‌پرسی هیچ مژگان‌ه‌والم
مه‌ له‌ی دل‌دادگانی بی سیف‌ت نیم
فیداکه‌م مالتی خودم گیانی منالم
توو ئە‌ی بوسانی ئومیدی مه‌ خوده‌ بویش
به‌جوز سه‌روی قه‌دد دی‌وه‌چه‌ بالم
ئه‌گه‌ر بویشم شه‌که‌ر وه‌ی شیعره‌ ئه‌حمه‌د
وه‌گیانی گشت ناگر دامه‌ مالم

غه‌رقم له‌ تافی سورمه‌ و بالی بژانگی گرده‌سه‌م
به‌و سه‌یل که‌ ئە‌ی نازهنین عیشقی توو تاکو برده‌سه‌م
پیچم ئە‌گه‌ر وینه‌ی په‌یو ئە‌ی نازهنین وه‌ زولفی توو
له‌و پاچه‌ داوانه‌ بزان بادی سه‌با هه‌لگرده‌سه‌م
من له‌و وه‌هاری دامه‌نه‌ له‌و پیچی لویلی سه‌روه‌نه
وینه‌ی شه‌مامه‌ی ده‌وری چه‌م، لافاوی گول هاورد‌سه‌م
قولفی ده‌ری بادامی دام ده‌سته‌ کللی جا مه‌ده‌م
چه‌و هه‌لده‌ بویون ئە‌ی نازهنین چووی سه‌همی سورمه‌د گرده‌سه‌م
هه‌ر ده‌س وه‌ زولفی کیشم و هه‌ر خویون له‌ داوانم چکی
چاهی زه‌نه‌خدان جایی خودی ئە‌و چه‌رخ‌ی چاوه‌ برده‌سه‌م
ئه‌حمه‌د هه‌زاران قه‌تره‌ خووین چکیا وه‌ پرووی خستی زه‌مین
ئ‌ی جووره‌ وه‌ی ئاسانییه‌ مامی فه‌له‌ک ناورد‌سه‌م

له كه ناري ئاهووان چووي كهل وه باني جاده بويم
ساله ها چه و ئينتيازاري ئه و پلنگي ماده بويم
بي كه دهس بارم وه زولفي، بي كه بووسم عاريزي
دل وه لويولي سهروهي دام، بووين چيني من ساده بويم
هه چي لهي وه سفي وه هاره داخي دل بويشم كه مه
توو له نه خشي گولهي من له گولي سه جاده بويم
شوكري ئه و قه دده چه بويشم كه له ساي چووي ساريكي
سهروو بويم ئه ما له قه يدي هه ر چه من نازاده بويم
پووسي نازي ئاهووم گه ردي له پشتي سه د پلينگ
تا له داواني توو ئه ي تاووسي حيرت زاده بويم
به حسي شيريني مه بوي دايم له خيلي مه هروخان
يادي ئه يامي كه له ده باري ئه و شازاده بويم
له سهري خاكي شه هيدان رووژ قه تل عاشقان
شيخ موسحيف بوي وه دهستي من وه جامي باده بويم
هيچكس جوري مه ئه حمه د وه بزانگ بازي نه كرد
ميل بويم ئه ما وه چنگي سورمه دان ئوفتاده بويم

له و شوخ كه مان ئه برووه چووي دل بكه نم من
ئه و تاره بييه تا سهري زولفي بژه نم من
به و يه دهقه پای بي سه نه مي غونچه له به بووس
تا يه يه پره گول له و پهري باخه سه نم من
ئه لئان تيمه به زمي توو ئه ي شه معي جگه رسوز
بيل تا پهري پهروانه له بالم بكه نم من
وه ي شانهي له رزانه و له ي باخي حه ريره
جوز زولفي توو ئه ي دووس چي تاري بته نم من
ئه ي ره ونه قي بازاري گول و لاله چه بوودن
يه ي غونچه ئه گه ر وه و له ب نووشه بكه نم من
تا عه كسي روخه د جوور گولي باده بييه ي ره نگ
بايه د وه ته ماشايي توو مرگان بژه نم من
وه ي جامه كي روخساره بنور ئه حمه د وه يه ي دم
بيالا له وه ري ئايينه ته نيا به نم من

ورگ چووی گول وه بولبول کردمه من
له هیجرد وانگ له وهر هه لگ کردمه من
له گوشه ی ئه پروانی خوهد حه والم
بپرس ئه ی دوس شایه د مردمه من
وه چاوی توو قه سه م دولبه ر له دیورید
له ناو خه و بیمه ناود برده م من
یه سه ئیمان له خالد هه رده بوی باز
چمانی کوفری زولفد کردمه من
له داخی ئه و له بی ئاوی حه یاته
چمان زنده م، بگر دی مردمه من
نیه کیشم دی وه گوونه ی لاله روویان
له دهستی دووس داخی کردمه من
وه وینه ی گوله ونی غه رقم له میخه ک
بزان چووی عه تری سه روه ن گرده م من
له حافیز خوشتره شیعیری توو ئه حمه د
یه سه قورئان ئه پراد هاودر مه من

چک چکی دیری له بان دیده چووی گیان ئه شکی من
جور زولفد نازه نین ره شیئی وه داوان ئه شکی من
کس له ره قسی ئاگری په روانه ییگ ئاگه نییه
یه خ به سا له ی مه جلیسه چووی شه معی گریان ئه شکی من
به و وه سه نگی سورمه لافاوی خووینی دل بنور
له و بژانگی چووی گوله غه لتایه حه یران ئه شکی من
دی له داخی سورمه چاوان جه وه هری دل وا بوییه
موی نیی له یره وه مروارید غه لتان ئه شکی من
تا بنی زولفی خه یالد گردییه ئیمشه و وه چنگ
ول نیه که ی ئه و چه تره دی چووی دوژواران ئه شکی من
ئه حمه دا له ی کونجی باخه له په ری ئی بولبوله
گول گوله چووی رگ رگی ئه وری وه هاران ئه شکی من

یا له ته ئسیری مه یه یا مهنگی لالی بویمه من
هم له وهسفی ئه وه به حالی وه حالی بویمه من
دی که لور ها پشتم و دی خاکی گیلان ها چهوم
عاشقی ئاهوو وهچی له خیلی خالی بویمه من
هر چنم بهرگی میسالی هر که نم وهسفی گولی
باخهوانی عهتری ئی باخی خه یاله بویمه من
قت بویمه مینایی گهردن دی نییه یه قهتره بوس
یا له تاقی ئه برویه د جامی سیفالی بویمه من
یا وه نازی لی موانم یا له ناری له ب مژم
موده تی ناموخته ی هویری منالی بویمه من
گیژی زولفی نازه نینان هامه باخی سیف و بهی
عاشقی ئه و گونه و ئه و عه سری چالی بویمه من
عهینی ئه حمه د روژی واران له وه داعی ئه و گوله
عوقده ی زولفم، وهشانی شانه خالی بویمه من

چهوم حه تا له خه و ها چیمه نی توو
وه قوربانی گوله یلی سهروه نی توو
نیچکیه ی جوز وه عیشقی توو چکیگیش
کونه ی دل چهس به غه بیره ز دهره نی توو
توو وه ئه و عارزی سه ووزه وه هاری
ئه گهر سه وسه ن گوله ها دامه نی توو
ئه گهر میخه ک فرهس له و سورمه دانه
که چووی گول ها له لویلی سهروه نی توو
توام بازی بکه م له باخی بایه م
چه نی دیرم هه وایی دامه نی توو
سه نی گیان و نیه ی بووسه زانم
وه ژیر غونچه دیمه خه ن خه نی توو
ده سی مه خمه ل چمان کیشان له گیانم
نی زانم من حه ریره یا ته نی توو
په ره ی گول بردییه له ی باخه ئه حمه د
وه سه ییری گوله ونی له گولشه نی توو

ئه گهر تاكي له بد نه لگرديا مه و
بزان كه خاچي زولفد برديامه و
نه زانستم مناله يارم نه رنه
له ته وهل عيشق بازي گرديامه و
وتم بازي بكهم وه جفته خاله
مه بادا سور له بي نه و ترسيامه و
نه زانستم كه به يدن بازي دل
وه گهر نه من له گهردي پي چيامه و
بزان حه تمه له سه حراي ديده گاند
بژانگي گول، چكي سورمه ديامه و
وه شه كرى نه و له به له ب وا نيبه كردم
ئه گهر ناوي خودا ناورد ييامه و
چي خوش بوي جووشي گولزاري جواني
له گولشه نه عه تری توو هاورد ييامه و
ئه گهر ناتاي وه هاري من وه ئي زوي
مه له بي گولشه نه په ژمورد ييامه
دهه نه وا كردييه سه د ماري زهنگي
له چيني زولفي دولبه ر چرچيامه و
ئه گهر عاشق نه يا تام جوري ته حمه د
مني دام يگ چووي سوفی نيامه و

غونچه ي نه و بووسه تا گردی دهه نه گهر دانيمه و
چووي گولي نايينه سه د دهوري چه مه نه گهر دانيمه و
جوز سه ري زولفي توو مايل نيم چووي بادي سه با
رووي له غوربه ت دي وه ساماني وه ته نه گهر دانيمه و
دلي توو نه ي بي بووسه روه د بوو له و كه نار نه بروه
چووي بن نه ندازان دلم له يره وه بوون گهر دانيمه و
دهس وه داماني خه يالي زاري زولفي تا سه حه ر
نه ي بلا زانين ره فيقان وه چوو من گهر دانيمه و
چووي له زولفي دل فيشانده شانه خالي كه م كه من
عومر چي بادي سه با له يره وه شه نه گهر دانيمه و
عه يني دهرويشاني عاشق له خياباني فيراق
گول وه بازاري توو نه ي سه روو و سه مه نه گهر دانيمه و
ساله ها له ده شتي عاريز چووي شواني حسني توو
وركي دل هولگرديمو ده شت و دومون گهر دانيمه و
جوز وه خالي نازه نيند كافر م وه هورچي هه س
به نده بي زولفي تونم سور له كه مون گهر دانيمه و
حافيزي به زمي خه يالم بيدلي شه هري دلم
ئه حمه دا وه ي شيوه من ته رزي سوخون گهر دانيمه و

گردمه ناگر له گولشه‌ن من وه باری ئه وه له به
هامه ناو سه‌یری گول سورخی وه‌هاری ئه وه له به
سویل که دهشتی شه‌هیدان چوو بیویه دامانی باخ
لاله روئیده‌ن له خاکی ئینتزاری ئه وه له به
چه‌هچه‌هه‌ی عیشقم نیه‌زانی له سوری شه‌وقی چه بی
مورغ باغ بووسه مو بیویمه شکار ئه وه له به
پیچی زولفد گردمو بریایه زنجیری جنوون
نازی چه‌رخ نه وه گیسد دی بووم وه‌کاری ئه وه له به
شیب سبید چیمه بانو بوندی گه‌ردنبون مونم
له وه سه‌ر پیچ مله‌ه‌ه‌یران کار ئه وه له به
سرمه‌چی بارم له شیشه‌ی ئای سونبول چی بیویم؟
ئاوسی بووسم وه‌لی چیموو له بار ئه وه له به
خوبین دل دیرم مکم یا شیرری پوستانی وه‌هار
وه‌ه چی شیرینه له کامم شووره‌زاری ئه وه له به
ئه‌حمه‌دا له‌ی سایبی جنوونه شیرری باخی سورمه بوویش
سه‌د غه‌زهل دیرم وه دامه‌ن له وه‌هاری ئه وه له به

له ئیره گول شه‌هیده و لاله داخه
چه‌مه‌ن له‌ی گولشه‌نه غه‌رقی چراخه
کونه‌ی سورمه کونا دی چیک نیووی ئه‌شک
دل غـافـل یوو ئاخ داخه
له ئاه دل بتـرس و بال هه‌مه‌زا
لفی پشتن له ئه‌ی گافاره ئاخه
له ئاخ ئه‌خلاقی گول یاران بزانییم
هه‌میشه گول له بولبول خوش ده‌ماخه
چمان په‌نجتیری رووسی دا له جه‌رگم
چووی سوزی ته‌ماشاکه قه‌زاحه
خونک ئاوه‌یلی ناودار و سیوره‌یزه
که موبلی لاله‌رویانی و باخه
که‌مانی ئه‌و بژانگه کهس نیه‌کیشی
که سورمه‌دان له‌یره قواخه
وه‌ناز رووله‌یی سورمه و بنازم
که چاویم روشنه دی له‌ی وجاخه
حه‌یاتی من له‌ب نوشه‌ه وه‌لیکن
له سامی ئه‌و سه‌روه گه‌ر مردم له داخه
نیه‌کیشی کلکی ئه‌حمه‌د جوز خه‌یالی
که عه‌تری زولفی توو ده‌یدی ده‌ماخه

چه‌وم وینه‌ی کلانی مه‌س له یی گولزاری گیسووده
سه‌ر و مال و به‌ن و جفتم فیدای ئەو جفته ئاهووده
بژی له‌ی گولشه‌نی نازه وه شادی ئە‌ی باخه‌وانی گول
که باخی عه‌بشمان ئاوا له سایه‌ی نارو لیمووده
له ئەو تیری بژانگه‌پله که واری به‌ر به‌ن ئەندازان
مه‌دی سه‌ر خه‌م نیه‌که‌م گیانا په‌نا وهو تیخی ئەبرووده
ته‌له‌سوم سورمه‌ دی وا که سه‌حه‌ر بوی نه‌رگسی نازم
نییه‌ی بالی بژانگ ئایا وه ئەو مورغانی جادووده
یه‌سه شوونی غه‌مد گردم له بانی گه‌ردنی که‌ل کوش
ئە‌لا ئە‌ی ئاهوویی سه‌رمه‌س که مردم له‌و نه‌وا کووده
مه‌نه وه سینی سینه ئە‌پرای ئە‌حمه‌د مه‌می لیموو
یه‌سه به‌ندی که‌مه‌ر چینم فیدای ئەو ده‌ست و بازووده

یه‌ی مانگه‌شه‌و بووی دیشته بووین شه‌وقی ئەو نیگاره
زولفی هه‌سه‌اره ریزه و چاوی ستاره‌ واره
گونای گولی وه‌هارد له وه‌فری سورمه‌ پر بوی
چووی دایده‌مه‌و وه‌ر ئاخیر ئە‌ی دیده وه‌ی شه‌واره
عومریگه‌ په‌ی دوو ئاهوو ئە‌ی نازنه‌ین وه‌ چاود
بالی بژانگ نیامه‌ له‌ی ده‌شتی سورمه‌ زاره
یه‌ ده‌شتی سورمه‌س و به‌س باخی بژانگ له‌ ده‌وری
ته‌نییا گولیگه‌ دوینم ها ژیری ئەو ده‌واره
ها بانی شاخی بایه‌م سزبانی جه‌رگی بولبول
گول تا بویه عه‌زیزان له‌ی باخه‌ سه‌ر وه‌داره
له‌ ناو بولبولانی تی، واران‌ی سورمه‌ واری
دیده چی تییره‌ به‌ختم ئە‌ی دوس له‌ی وه‌هاره
چووی مریه‌مه‌ وه‌ مه‌نزه‌ر چووی نه‌رگسه‌ له‌ دیده
ئە‌و چه‌و که‌وه‌و چمانی داودی که‌وه‌ سواره
له‌و سورمه‌ ره‌ژ بژانگه‌ تکیا کونه‌ی دلی من
دی شینگ مه‌خه‌ له‌ سه‌حرا ئاهووی من دیاره
له‌ بالی ئەو بژانگه‌ سه‌روه‌ن بکیشه‌ سه‌ر به‌و
له‌و میلی سورمه‌ دانه ئە‌حمه‌د چه‌و ئینتیزاره

هەر ئه‌هوايي ده‌شته له چاوي توو په‌ميگه
چه‌س سورمه؟ له بازاړي بژانگد قه‌له‌ميگه
هه‌رگيز له بني سورمه كه‌سي سه‌ر نيه‌ده‌راړي
له‌ي ده‌شتي سيا پووشه ني‌زاني چي ته‌ميگه
په‌روانه و گول بولبولي يه‌ي باخي وه‌هارن
له‌ي گولشه‌نه تا كو‌يچه‌ي دولبه‌ر قه‌ده‌ميگه
ئه‌ي زاهيدي نادان توو نيه‌زاني خه‌مي ته‌بروو
هه‌ر قيبله كه‌ رووي كردييه له‌يره سه‌نه‌ميگه
چووي خويني نه‌چكي بولبول عاشق له سه‌ري دار
ئه‌ي زه‌مه‌مه وه‌ي ناوه هه‌ر باخ و چه‌ميگه
يه مه‌يكه‌ده‌ي نيمه‌شه‌وي سه‌زرتي والاس
كه‌ي موخته‌سيب و شوحنه له ئيره په‌قه‌ميگه
له‌و سه‌وزه سه‌ره‌ز ناوي شيفائيگه وه‌گه‌رنه
هه‌رجا كه‌ بنيشي دوو كه‌موته‌ر سه‌ره‌ميگه
له بادي سه‌زه‌ب بادي هه‌وه‌س بادي هه‌وا پر
وه‌ي شيره بنوورن كه‌ سواري سه‌له‌ميگه
له‌و پادشه مه‌عنييه غافيل نه‌كه‌نهد باز
ئه‌حمه‌د تووه‌هي جامه كه‌ ديري له جه‌ميگه

ژيري ئه‌و داړي خه‌ياله له په‌ري ئه‌و بولبوله
بو‌يش وه‌ي نيشانه‌يه بووسي بييه‌دن ئه‌و گوله
دي سوخه‌ن ئو‌يشم وه‌موژگان، دي ئيشاره‌ت كه‌م وه‌بال
لانه‌يي مورغي دلم عومريگه جه‌عد و كاكوله
شاره‌گم دامه له عيشقي، دوستان مه‌نعم مه‌كه‌ن
چووي نه‌كه‌م داويي بووسي له له‌بي ته‌وده‌م كوله
ئيره شووني ميلكانه به‌و ته‌ماشاكه وه‌داخ
جانمه‌ن له‌و ناگره دي سه‌يري ئي خاك و خوله
له‌ي چه‌مه‌نزاره نيه‌چوو هه‌رگيز غوياري دل وه‌ده‌يشت
سورمه‌يي سه‌حرايي گول ئاهووي ناخي بولبوله
دي يه‌سه چووي ئاوي ته‌لوه‌ن ناله كيشامه وه‌خوين
سورمه‌ي توفاني ئاهووي ديمه له‌باني ئه‌و پوله
به‌و سه‌ري چووي ته‌وري نه‌وروزي وه‌ميرامد بكيش
لاله رويان بين چه‌ني سه‌حرا له داخدا غولغوله
شيعري ته‌حمه‌د تا قيامه‌ت ها له بان قه‌وري عيشق
ئاگري دل دامري ته‌ما نيه‌نيشي ئي غوله

سه‌د چه‌شمه له‌ی باخ و چه‌مه ئه‌فغانی بولبول کرده‌مه
تا له‌و وه‌هاری بایه‌مه یه‌ی چه‌رخ‌ی چه‌و گول کرده‌مه
هه‌ر شه‌و له‌ شووری بایه‌مد گیانا وه‌ زولفد تا سه‌حه‌ر
یا ئه‌شکی سورمه‌د گرده‌سه‌م یا پرووی وه‌ کاکول کرده‌مه
به‌رگ سیای ئه‌و سونبوله‌م سزبایه‌ جه‌رگی بولبولم
من کتری داخی گولم یه‌ی عومر غولغول کرده‌مه
چووی هه‌ر گولئی هاته‌ ده‌م نیوشم له‌ باخ بایه‌می
زانی چه‌ن من باری ئه‌و لیوه‌ ته‌حه‌مول کرده‌مه
له‌و باخی سه‌وزی عاریزه‌ وینه‌ی شه‌مامه‌ی تازه‌ په‌س
گه‌ردی فیغانی بولبولم ز به‌س که‌ گول گول کرده‌مه
دی هامه‌ ناوی مه‌یخانه‌ و له‌ به‌زمی ئه‌حمه‌د باده‌ خودم
ئه‌ی سوفی عابا له‌ وه‌ر ته‌رکی توو بین کول کرده‌مه

چووی چپای نه‌رگس وه‌ه‌ارم ئه‌رغه‌وانی کرده‌مه
یادی مه‌ه‌رویان شوخ لاله‌وان کرده‌مه
بی گوله‌یلی ریزه‌ ون بی با یومیولی کلوکوله‌یل
فه‌سلی گول دیده‌ عه‌جه‌و بیلی وه‌بانی کرده‌مه
هایته‌ کوئه‌ی کویزه‌له‌یلی ده‌وری باخی کوزه‌روان؟
پیری کور کورم وه‌لی تاو جوانی کرده‌مه
له‌و جه‌مالی بی میسه‌اله‌ ساله‌ها ئایینه‌وار
ئه‌رزه‌نگی بارم وه‌ مژگان کاری مانی کرده‌مه
سورمه‌ چاوی کوشته‌سه‌م ئه‌پروو که‌مانی داسه‌لیم
روی وه‌ دیواخانی ئه‌و نازک خوانی کرده‌مه
موس ئه‌گه‌ر بامو له‌ دیده‌ی ده‌ست و پا دی گوم نیه‌که‌م
خالی ئه‌و کونجی له‌به‌ ئیمشه‌و نیشانی کرده‌مه
گیانی مه‌ولا له‌ کوره‌یلی خاس کرماشان پیرس!
من سه‌ر و گیانم فیدای عیشقی فولانی کرده‌مه
ئه‌حمه‌دا هه‌رگیز نیه‌پیچم سه‌ر له‌ تیخی ئه‌پرووی
تارفی گیانی ئه‌گه‌ر وه‌و یاری گیانی کرده‌مه

ئهو سیه مهسته که من ئاوت خه تاوی کردمه
ناوکی سهه د ئاهوو بریمه و سورمه ناوی کردمه
بوین چه نی چاره م سیاه بوی وهختی دیداری پرووخی
هه رچی بالی سورمه دا مژگان حیساوی کردمه
له و وهاری عاریزه دی یه ی گوله دل جا نه من
هه رچی بایه م خستیییه دولبه ر شه راوی کردمه
شه کری شه وقی مانگه شه و چووی بویشم ئه ی بهختی بوله ند
مانگی من سهه ر ناسه داوانم مه خاوی کردمه
وهی شه وی قه تلی خه یالّه هه رکه غه بیری سورمه بوو
له سهه ری مژگان بزانه قه من جواوی کردمه
له سهه ری پییری چه بویشم نازه نینا بی روخه
بیستوینی غه م بویه وه فری په راوی کردمه
ئه و قه ره شه معی وجودم ئه شک په روره ده له جه مع
هه رکه ناو په روانه لیم باری که واوی کردمه
پشتی میر ئه حمه د شکان هه م عه هدی بانئ ئه لوه نی
باوه یادگاری مه دی نه فرینی داوی کردمه

توو منال بیده له گولشه من بو هانه د گردمه
جوور زولفد نازه نین عومری وه شانه د گردمه
پیره شه و شه ب بویی داخه یادی شه و باس غه مد
لاله ئاسا دی له دل، ئه مشه و زه بانه د گردمه
یا سهه ری زولفی خه یالی یا ته مه نایی له بی
دامه ن دل ول نیه که م تا نازدانه د گردمه
زهنگی خه لخاله د نیه چوو هه رگیز له خاکی ئشتیاق
خش خش بووسی به هارم ژیری چانه د گردمه
دی یوسوو وینه ی سه ماوه ر چوینه چیکیامه له داخ
ژیره یی دل غه رقی خوین بوو تا وه بانه د گردمه
تا گوپی ئاو بنووشم له و سهه راوی سه سه رته
دور وه ناز سورمه ئه ی مژگان له خانه د گردمه
ئه حمه دا له به زمی دلداران هه لئس تا موج بخریم
تا بزانی دهستی دل چووی عاشقانه د گردمه

هەر چی بویشم لهو سهری زولفی نگارینه کهمه
له خه می ئه بروی توو ئه ی دیده گیانم پر خه مه
هەر ئه رای ئه و لیموانه دس به مه و بان ژیری دار
له و بژانگه له شکری عالهم وه دهوری من جه مه
دی ئه را نالی له بولبول دی ئه را جووشی له گول
کام بولبول بویش له ی باخی گول بی هه مده مه
دی له زولفد تا قیامت دس نه کیشم جوز وه ناز
دیده زنجیری جنوونی عاشقان چووی موحه که مه ؟
بی خه یالی نازکی یه ی شه و نیه نیشم شان ه و ه
من له ئه و زولف په ریشانه دلم خاتر جه مه
که س نیه تیده و دی له سه حرای سه یری چاوی ئاهووان
عاله می گه رد و غویاری سورمه دیری ئه ی ره مه
له و گولستانی جه ماله عه تری ئه حمه د تیده لیم
باده بی دامه نیزانیدن دوئ شه و له و زه مزه مه

سه د گول سواری گوله و نی جه م کردییه له ی دهروه نه
نایه وه گووشی عاشقان له و پیچه لوبولی سهروه نه
دی له تقازی عیشقی توو ئه ی خونین باوان چه هه م
گیانم سه نیده وه له به کوشتیده سه م وه و خه ن خه نه
یه ی چه و بییه ئه ی سویره گول یه ی دهم وه شوونی میلکان
چووی، چکی، پشیه ی، تکئی، ئه شکم کونه ی بی ده ریه نه
مردم له داخی ئه و روخه بیلا به نی مه له ل بخه م
چووی مه له لی روخساری توو عومری مه دی ها ئی به نه
یه ی شه و ئه گه ر بارم بییه ی وه و لیوه چووی مینایی مه ی
پشیه م و زه وقی دامه ند زه نگیه انه وه ش له و گه رده نه
یه ی سورمه دهم نامه دهمی، یه ی جورعه چیمه ناو چه می
وه ی وه ی شه راوی بایه می مه رد م عه جه و مه رد ئه فگه نه
هه م داری لیموو ها وه پی هه م تی عه مه ل بایه م له لی
گولزاری عیشقم هاله تی چووی دس برم له و دامه نه
وه و بهرگی حوسنی یوسفه له خالی ئه حمه د ها له بد
من مالی جه د بایه د بووه م ئه ی نازنه ی له ی خه رمه نه

دل وه حه يرانی گولین سورونی توو مهنديه
ئی گوله چووی لهو وه هاری عاریزه دل كه ندييه
بوش نیوی بالی بژانگی قیمة تی ماچی نیه كه ی
دل وه ئی ئه زانییه ئه ی دولبه ران کی سه نديه
هیچ عه شقی قه د نیه كه شته ی بی غه می سه روی له خاك
میوه ی باخه ئه ی باخه ئه ی عاشق بزان پیوه ندييه
ئیسه زانیدن وه حه سره ت قه دری نازادی له باخ
دل له گولشه ن بی قه دی سه رود چمانی بوندييه
یه ك دوو پروژی بیش نیتیی بانگی بولبول چووی جه ره س
ئه ی گولی من له ی وه هاره چه ند مه نزلی موندییه
هه ركه بینی خاکی سه رپول شیعری ئه حمه د بشنه وی
دل وه موهری نازه نینان تا ئه به د ئا كه ندييه

له چیمه ن هه ر گولی وه عه شقی توو چراخی گردییه
دل له داخه د لاله ئاسا كوئجی باخی گردییه
لهو ده می سوچه كه غولغولی جوشی بولبول بود له باخ
وه ی له وه ر كه فته ی نیه زانی گول چ داخ گردییه
بی چراغی لاله له یه ره هه ی جره روشن نییه
خار سزیایه له دل تا گول و جاخی گردییه
له ی چه مه نزاره كه روییده نی ته لیسمی ئینتزار
هه ركه عه تری گول وه یه ی ئه فسون ده ماخی گردییه
به و له به زمی ئاهووان چووی قوچی جه نگی له چه مه ن
بی گولی مه سته تیماشا كه چی شاخی گردییه
بانی دالاهو پره له بایه میه لی سورمه خوه ر
ئه سپی دل دی شوری بانی ئاخ و داخی گردییه
ئه حمه دی عاشق نیه ترسی موخته سیب یا شوخه بوو
بویش ها مه یخانه تا هه ركه س سوراخی گردییه

من که نویشم ساغر لهو ساقی چهو مهس بییه
لهو شهراو نه رگسه ئەو ئیستکانی ههس بییه
نهوسی بولبولی بویون که دیری جور ئەشکی شهس تکی
بووسه ئەی ئەی نازەنین لهو غونچهی نه ورهس بییه
ئه گهر دل تا بنیشی تا گر گیان دامرئ
جورعهی لهو ئاوی ئەنگوره که ئویشن چهس بییه
مهشکی دل دیری تکان دهی یا کونهی گیان وازکهی؟
چهو مهسی من کاسهیی لهو شهراو خهس بییه
قوری بولبول وه غولغول ئاگری مهنقل وه گول
چینی دل دیرم ئە گهر دیری وه مژگان بهس بییه
چیک وهرهو تیری بژانگد دامه ناو خال له بد
لهو کهمانی ئەبروه بووسی وه نازی شهس بییه
تا تورکی بوو وه بهرگی غونچهی نازاری دووس
بادهیی مهجلیسه تا ئەو له به دهس دهس بییه
ئه حمه دا لهی فهسلی نویره لهی وه هاری عاریزه
کی وهت ئاخر دامه نی ئان سه حهر له دهس بییه

هوم له حولی بولبولان هوم یو مه بادا یار بای
ئه ور و باری گردمه ئەی گول که ئەوری وارنای
تیری مژگان نه یوده چلله ، سورمه کهی خاکی جنوون
هیچ بهیری رووی وه ئەو ئاهووی وهش رهفتار نای
بیل وه خوینی عاشقاند یویی قهدهم پور پور بیوی
قوچ قوربانی ئەرا تا گهر قهدهمی یارنای
قاچی زینی دل بچهسپ و فیکر بیحاسل مه که
گول نیه نیشیدن وه بولبول تا وه گولشه خارنای
جاموکی دل چووی بینورم گورگ له تاقی ئاره زوو
سور نه پیچی زولفی له ولا ، گول وه رووی دیوار نای
له چه مه ن ئیمشه و ره فیقان له حوزوری ئەو گوله
خوبن نه جووشی مو نه نووسی گول نه نیشی خارنای
تیری سه د ئە پروکه مان ، زه خمی هه زاران دیده مهس
چه رخ که چ رفتاره ئەی ئە حمود وه ئەوری وار نای

کی توئینی وهی گولشه‌نه بی ناگری ئه و یاره بای
ها سه‌ری پا گول که تا ئه و ئات‌شین پوخساره بای
له سه‌فیه‌یلی سورمه پرسیم دی حه‌والی نه‌رگسد
کوره تا بالی بژانگی ئه و بانی ئی بیماره بای
وه په‌ری گول پیچنی داوانی سه‌حرا وای شه‌مال
عه‌تری میخه‌ک گه‌ر ده‌می له و سه‌روی سه‌روین لاره بای
له و سه‌ری زولفی جنوونه له و په‌ری باخی گوله
سورمه هه‌لدامه که ئه و ئاهوویی وه‌ش رفتار بای
له و هر سه‌د خه‌سره و فه‌ره‌اد گه‌ردی حه‌سره‌تی
بیل وه‌مه‌جلیس له چه‌مه‌ن ئه و شوخی شیرینکاره بای
سورمه خوهی موبه‌عید بولبول له و بژانگه حیره‌ته
که‌ی غه‌له‌ت ئایینه تا دی رووی وه‌ره و ئه و یاره بای
به و وه‌ دوری یه‌ک بنیشیم جامی گولناری بیه‌یم
هه‌ی بچه‌ر ئه‌ی نازه‌نین له‌ی باخه وه‌و ریواره بای
ئه‌حمه‌دا دی خاک حه‌سره‌ت که‌م بکه‌ بانی سه‌رم
بیل وه‌ بانی ته‌رمه‌گه‌م ئه و خاتر نازاره بای

دیده وه سه‌نگی سورمه دیری کلک دراری
له و نه‌رگسان نازه ئه‌ی بایه‌مه‌ک دراری
شیرینی دوو عاله‌م چنیا‌یه بانی غونچه‌ی
چووی له و له‌به توئینیدن حه‌قی نمه‌ک دراری
له‌ی مه‌عه‌نه که عیشقه کاری جنوون یه‌سه به‌س
بایه‌د له شیشه‌ی دل سه‌نگی محه‌ک دراری
یه گه‌ودی زنج و خاله یه چه‌رخ چاوه ئه‌ی دل
پای سه‌ما بنه تا سه‌ر له سه‌مه‌ک دراری
جوز وه جنوون نیه‌چه‌رخ ئه و میلی سورمه‌دانه
بایه‌د ئه‌دای وه وینه‌ی چه‌رخ و فه‌له‌ک دراری
له گوله‌ونی ته‌کانن بورده‌د وه باخی تاووس
سه‌روه‌ن ئه‌گه‌ر بখে‌ید و په‌ر له مه‌له‌ک دراری
چووی شاخه‌ی بلا لوبیک گول دایه گیاند ئه‌حمه‌د
له و خالی نازه‌نینه کووتا تا توو لک دراری

گیانی گولم لهی مه جلیسه دی له ب نییهم جام که سی
یا سهخته زاری نازنین یا شوخ و شهنگ چهو مه سی
دهس وه سهر زولفی مه یه نهی مانی دهوران که من
سه د پهنگ هه لگه ردا نه تا ناز کیشامه ده سی
عومری وه بهرگ بولبولان سزیامه لهی لیو گوله
دیرم یه سه دی بارکه م لهی گولشه نه و خاروخه سی
تا که ی وه بهرزی بیستوبن سه د گیانی شیرین بووده گل
نه ی خوسره و خوبان له تی فریا کوشه فریا ره سی
سه د دهف له په ی جامه شکهن چیمه و ره و کاسه کران
ئیلی که لور گه ردیه من هه م کهل کشی هه م سهر مه سی
ئه حمه د وه به زمی بولبولان که متر بخوه دی جووشی گول
له ی گولشه نی حوسنه به سه سایه ی نیهالی نه وره سی

پېرېت

- 69 يا له ته نسيږي مه يه يا مهنګي لالی بويه من
- 70 چهوم هه تا له خه و ها چيمه نى توو
- 71 نه گهر تاكي له بد نه لگرديا مهو
- 72 غونچه ي نهو بوسه تا گردى دهه ن گهردانيمه و
- 73 گردمه ناگر له گولشه ن من وه بارى نهو له به
- 74 له نيره گول شه هیده و لاله داخه
- 75 چه رم وينه ي کلانى مه س له يى گولزارى گيسووده
- 76 يه ي مانگه شه و بووى ديشت بوو بن شه و قى نهو نيگار ه
- 77 هه ر نه هوايى ده شته له چاوى توو په ميگه
- 78 ژيرى نهو دارى خه ياله له په رى نهو بولبوله
- 79 سه د چه شمه له ي باخ و چه مه نه فغانى بولبول كرده
- 80 چووى چيائى نه رگس وه هارم نه رغه وانى كرده
- 81 نهو سيبه مه سته كه من ناوت خه تاوى كرده
- 82 توو منال بيده له گولشه ن من بوهانه د كرده
- 83 هه ر چى بويشم له و سه رى زولفى نگارينه كه مه
- 84 سه د گول سوارى گوله ونى جه م كرده يه له ي دهر و نه
- 85 دل وه حه يرانى گولين سورونى توو مه نديه
- 86 له چيمه ن هه ر گولى وه عه شقى توو چراخى كرده يه
- 87 من كه نويشم ساغه ر له و ساقى چه و مه س بييه
- 88 هوم له حولى بولبولان هوم يو مه بادا يار باى
- 89 كى توتينى وه ي گولشه نه بى ناگرى نهو ياره باى
- 90 ديده وه سه نګى سورمه ديږى كلک درارى
- 91 گيائى گولم له ي مه جليسه دى له ب نييه م جام كه سى

- 17 مه سنه وى
- 22 لويولى سه رو ه
- 25 نه خشى مژگان
- 34 چه رخی چه و
- 42 خوبنى گول
- 46 شينى بولبول
- 49 داخى دل
- 51 غه زه ليات
- 52 كودامين داخى دل بارم وه خارا
- 53 يه ي نامه وه موهرى له بى نهو شا سه نه مه هات
- 54 له ي ژير كولاى سورمه ده مه ستم له جام نه لگردند
- 55 وه لا وه مه سه و م گيانا ني ه زانم من چه س ناييند
- 56 نه ي ني ه زاننى چه كرد عه ترى گولى سينه گه د
- 57 عه ينى نا هوو سه ر وه سه حراى سورمه چاوان نامه باز
- 58 بيل بتوقى له ليد شه نګ له بژانګى قه تار
- 59 چووى غويارى غه م وه دل نه ي گول له داواند بچم
- 60 ني ه زانم چووى له به دبه ختى رووى وه خاك گيلان كرده
- 61 جوز غه م نييه له به رگم جوز دل نييه وه بارم
- 62 نه چووى بولبول گولستانى نه چووى گول گولشه ن ديږم
- 63 چونان مه فتوونى نهو يه ي دانه خال م
- 64 غه ر قم له تافى سورمه و بالى بژانګى كرده سه م
- 65 له كه نارى نا هووان چووى كه ل وه بانى جاده بويم
- 66 له و شوخ كه مان نه برووه چووى دل بكه نم من
- 67 چك چكى ديږى له بان ديده چووى گيان نه شكى من
- 68 ورك چووى گول وه بولبول كرده من

